



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پیتوکار

دهه مبارک و مبارک

استاد علی اکبر منادی پوری

پانزدهمین شماره

گزیده‌ای از اخبار تشکیل کنفرانس ها - جشنواره ها - کتابخانه های تخصصی
و خدمات بهداشتی داخلی و خارج از کشور

The eighth annual celebration of
the ten blessed days of mahdawiyya.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از دهه مهدویه

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

مرکز جهانی حضرت ولیعصر (عج)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	پرتوی از دهه مهدویه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	مقدمه
۱۷	سیمای طاووس اهل الجته در آيينه ی طاووس الائمه
۲۲	امام شناسی :
۲۵	ضرورت وجود امام :
۲۷	شرایط امام :
۲۷	اشاره
۲۷	۱ . عصمت :
۲۸	۲ . نصّ :
۲۹	۳ . افضلیت :
۳۳	در اینجا یک سؤال به طور طبیعی در اذهان نقش می بندد و آن اینکه :
۵۵	سیمای امام در آيينه ی قرآن
۷۸	فراتر از خورشید
۷۸	اشاره
۷۹	۱ . خدا
۸۰	۲ . قرآن
۸۰	۳ . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
۸۰	۴ . امیرمؤمنان علیه السلام
۸۲	۵ . ولایت علی علیه السلام
۸۳	۶ . امامان علیهم السلام
۸۶	۷ . حضرت مهدی علیه السلام

۹۶	نقش امام در زدودن تاریکی ها
۱۱۰	خورشید نهران در پشت ابرهای گران
۱۲۴	نقش امام در بقای این نظام
۱۲۴	اشاره
۱۳۱	بهره وری ما از امام غائب
۱۴۰	روزنه ای به سوی خورشید
۱۴۰	اشاره
۱۴۱	۱. دعا برای فرج
۱۴۵	۲. ترک گناه
۱۴۸	۳. آراسته شدن به زیور تقوا
۱۵۱	چشم به راهان طلوع خورشید
۱۶۶	راز و رمز اینهمه سوز و گداز
۱۷۲	بنیانگذار جهانی آباد و آزاد
۱۸۶	گامی استوار با برنامه هایی پایدار
۱۹۵	چرا دهه ی مهدویه ؟
۲۱۱	بنیانگذار مجالس دهگی
۲۲۹	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور: پرتوی از دهه مهدویه/علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر: اصفهان: مرکز جهانی حضرت ولیعصر(عج)، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۴۶ص؛ ۲۱/۵ × ۱۱/۵ س.م.

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - کرامت ها

رده بندی کنگره: BP۲۷۱/۶۰۴۲۲/م ۸۶/۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۷

ص: ۱

اشاره

« يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا

بِضَاعِهِ مُزْجَاهٍ »

ای عزیز:

دردی جانکاه بر ما و کسان ما فرو ریخته و

اینک با بضاعتی اندک بسویت آمده ایم .

(یوسف : ۸۸)

ای عزیز فاطمه :

در کام طوفانها فرو رفتیم ،

در زیر ضربات دشمن لگدمال شدیم

سایه سنگین فتنه ها را بر شانه های خود

لمس کردیم ، در هر گوشه ای صدای دادخواهی بلند شد

با یک دنیا امید بسویش دویدیم و نومید برگشتیم و اینک ،

برخی ز :

برخیز و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریز ، پرچم حق را

بر فراز گیتی برافراز و ریشه ظلم و ستم از روی زمین برانداز .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَزَعُ بِكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ ،
وَتُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ
وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ؛

بارالها ، ما اظهار اشتياق می کنیم به درگاه تو ، در یک دولت عزیزی
که اسلام و مسلمانان را با آن عزت و شوکت عنایت فرمایی ، نفاق و
منافقان را با آن خوار گردانی ، ما را در آن دولت از فراهوان ها به
سوی فرمان بری تو و از پیشوایان به راه خود قرار دهی ، و به
وسیله ی آن دولت کرامت دنیا و آخرت به ما روزی فرمایی .

فرازی از نیایش منتظران حضرت بقیه الله

ارواحنا فداه در شبهای ماه مبارک رمضان . (۱)

ص: ۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا...

اللَّهُمَّ اَمْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا...

وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشِيعَتِهِ ...

وَارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى أَلْفَاكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ؛

بارالها، بر محمد و آل محمد درود بفرست و امر امام ما را اصلاح بفرما ...

بارخدایا، زمین را به وسیله ی او پر از عدل و داد بفرما، همان گونه

که پر از جور و ستم شده است ...

خدایا، مرا از بهترین دوستان و شیعیان او قرار بده ...

بارالها، شهادت در رکاب او را به من ارزانی بدار، تا به لقایتم برسم

در حالی که از من خشنود باشی .

فرازهایی از نیایش امام زین العابدین علیه السلام

در صحرای عرفات. (۱)

ص: ۷

این اثر ناچیز که خود از برکات دهه ی مبارکه ی مهدویه است و به منظور اظهار عجز و ناتوانی از انجام وظیفه و تقدیم عریضه ی شایسته به پیشگاه سلیمان دورانها ، سلطان زمین و آسمانها ، نور چشم حضرت زهرا ، خاتم الأوصیاء ، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ، قلمی گردیده ؛ چون ران ملخی از مورچه ی بی مقداری ، به پیشگاه سلطان سریر ارتضا ، حضرت علی بن موسی الرضا ، علیه آلاف التحیه والثناء ، به امید قبول تقدیم می گردد .

به همین مناسبت هشت فراز از سخنان درر بار هشتمین امام را پیرامون جان جانان ، کعبه ی مشتاقان ، قبله ی چشم به راهان ، به جای مقدمه در طلعه ی کتاب به راهیان کوی و منتظرانِ ظهورش تقدیم می داریم :

فهرست.....

ص: ۹

سیمای طاووس اهل الجنه در آینه ی طاووس الائمه

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام پیرامون حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می فرماید :

۱. لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَىٰ أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا ، وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا ، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَىٰ وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ ؛

اگر دست مبارکش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند ، آن را از ریشه و بن برکند و اگر در میان کوه ها بانگ برآورد ، صخره هایش فرو ریزد .

عصای موسی و انگشتری سلیمان با او خواهد بود .(۱)

۲. فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بُنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ ، فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا ، وَهُوَ الَّذِي تُطْوَىٰ لَهُ الْأَرْضُ وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ ؛

ص: ۱۱

۱- [۱]. طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۴ .

هنگامی که ظاهر شود ، زمین به نور پروردگارش نورانی گردد ،

ترازوی عدالت را در میان مردم نصب کند ، دیگر کسی به کسی

ستم نمی کند . زمین زیر پایش طی شود و برای او سایه نباشد . (۱)

۳ . **إِنَّ سَيِّدَهُ الْأَمَاءِ ، يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ ، وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ ؛**

او فرزند سرور کنیزان است ، خداوند به وسیله ی او روی زمین را

از هر ستمی پاک نموده ، از هر گونه بی عدالتی منزّه می سازد . (۲)

۴ . **مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرْجِ ؛**

شکیبایی و انتظار فرج چقدر زیباست . (۳)

۵ . **مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ ؛**

مثل او مثل رستاخیز است ، جز به صورت ناگهانی اتفاق

نمی افتد . (۴)

۶ . **إِنَّ الْخِضْرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ ، فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ...**

وَسَيُؤْنَسُ اللَّهُ بِهِ وَخَشَهُ قَائِمًا فِي غَيْبَتِهِ وَيَصِلُ بِهِ وَحَدَّثَهُ ؛

حضرت خضر از آب حیات خورده ، او زنده است و نمی میرد ، ...

خداوند به وسیله ی او از قائم ما رفع غربت می کند و با اُنس و

ص: ۱۲

۱- [۱] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ص ۳۷۲ .

۲- [۲] . شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۴۷۸ .

۳- [۳] . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۱۰ .

۴- [۴] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۷۳ .

مجالست او از وی رفع تنهایی می کند. (۱)

۷. هنگامی که دعبل شعر معروف خود را در محضر امام رضا علیه السلام

خواند، چون به نام نامی «قائم آل محمد» رسید، امام علیه السلام

برخواست، دست روی سر نهاد، برای نام آن حضرت تواضع کرد،

آنگاه برای فرجش دعا کرد. (۲)

۸. آنگاه خطاب به دعبل فرمود:

ای دعبل، امام بعد از من پسر محمد _ امام جواد _، بعد از او

پسرش علی _ امام هادی _، بعد از او پسرش حسن _ امام حسن

عسکری _ و بعد از پسرش:

الْحَبَّهَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ فِي غَيْبَتِهِ، الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ؛

حجت قائم، که در عهد غیبتش انتظار او را می کشند، و در ایام

ظهور از وی اطاعت می کنند. (۳)

ای همه غمها را تو پایان، ای همه دردها را تو درمان، ای نور یزدان، ای

مهر تابان، بیا زیر تو رویت، شب تاریک سحر گردد، ورنه ای مهر تابان،

بی تو هر لحظه تیره تر گردد.

من در این غار خسته و دل‌تنگ، انتظار ترا ستاره کنم، در این شب تار

وحشت زان، لحظه های ترا شماره کنم.

ص: ۱۳

۱- [۱]. شیخ حر، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۲- [۲]. تستری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۹۰.

گر بیایی ، ستاره های سحر ، در نگاه تو رنگ بازند ، گر بیایی کبوتران

امید ، لانه ها را دوباره سازند .

به امید آن روز .

۲۷ رجب ۱۴۲۷ ه .

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

ص: ۱۴

امام شناسی :

امام در لغت به معنای : « پیشوا » و « مقتدا » می باشد .

خلیل بن احمد ، پیشوای ارباب لغت می گوید :

كَلَّ مَنْ اَقْتَدَى بِهِ وَقَدَّمَ فِى الْاُمُورِ فَهُوَ اِمَامٌ ؛

هر کسی که جلودار امور باشد و به او اقتدا کنند ، او « امام » است .^(۱)

راغب در این رابطه گوید :

الإمام : المؤتم به إنساناً ؛

امام انسانی است که او را پیشوا قرار دهند .^(۲)

ابوبشر لغوی می گوید :

امام در لغت عرب جلودارِ مردم را گویند ... که در طول سفر

ص: ۱۵

۱- [۱] . خلیل بن احمد ، کتاب العین ، ماده « امم » ؛ ترتیب العین ، ص ۵۵ .

۲- [۲] . راغب اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن ، ص ۲۴ .

و تاریکی شب راهبر راهروان است. (۱)

امام و پیشوا در اصطلاح به کسی گفته می شود که جلودار جماعتی باشد

و رهبری ایشان را در یک مسیر اجتماعی ، یا مرام سیاسی ، یا مسلک

علمی و یا دینی برعهده بگیرد. (۲)

امامت ریاست فراگیر دینی ، همراه با ترغیب و تشویق مردمان بر

حفظ مصالح دینی و دنیایی و منع آنها از هر چیزی که بر مصالح دینی و

دنیوی آنها لطمه می زند. (۳)

امام رضا علیه السلام در یک حدیث گسترده از جایگاه امام علیه السلام سخن گفته ،

که فرازهایی از آن در اینجا تقدیم می شود :

جایگاه امام والاتر ، ابعادش گسترده تر و ژرفایش عمیق تر از

آنست که مردمان با اندیشه و درایت خود به آن دست یابند ،

یا امامی را از سوی خود برگزینند ...

امام همانند خورشید فروزان نورافشانی می کند ، دست ها و

دیده ها به جایگاه بلندش نمی رسد .

امام ماه تابان ، ستاره ی فروزان ، مشعل درخشان و اختر

هدایتگر در تاریکی های شب دیجور و تیرگی های دریاها و

صحراها می باشد .

ص: ۱۶

۱- [۱]. شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص ۹۶ .

۲- [۲]. علامه طباطبایی ، شیعه در اسلام ، ص ۱۰۹ .

٣- [٣]. خواجه نصير، قواعد العقاید ؛ علامه حلّی ، كشف الفوائد ، ص ٧٧ .

امام آب گوارای هدایت بر دل‌های تشنه ، راهبر مطمئن بر

شاهراه هدایت ، نجات بخش انسانها از لغزش و سقوط در

پرتگاهها می باشد ...

امام یگانه ی دهر است ، هرگز احدی با او برابری نکند ، هیچ

دانشوری با او قیاس نشود ، هیچ شبیه و نظیری برای او پیدا

نشود ، که همه ی فضایلش اختصاصی است ، هرگز به دنبال

کسب دانش نرود که همه معلوماتش از سوی خداوند مٔان به

او افاضه شده است ، دیگر چه کسی می تواند جایگاه او را

بشناسد ، یا درصدد گزینش او بر آید ؟ ! هیهات ! (۱)

ضرورت وجود امام :

هر عاقل فرزانه ای که از وضع جهان و رفتار مردمان آگاه باشد ، در

ضرورت وجود ریسی نافذ ، مدیر و مدبر ، برای جلوگیری از

خصومت ها ، تجاوزها و تباهی ها تردیدی به خود راه نمی دهد .

با توجه به خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و استمرار شریعت و عدم نسخ

آن تا روز رستاخیز ، وجود شخصی به عنوان نگهبان ، مرزبان و مرزدار

آیین اسلام از هر گونه تغییر ، تبدیل و تباهی ضروری می باشد . (۲)

بزرگان شیعه ضرورت وجود امام را از روی قاعده ی لطف به صورت

گسترده تشریح نموده ، اثبات کرده اند که وجود تکلیف و ادامه ی آن در

طول قرون و اعصار ، ضرورت وجود امام را در هر عصر و زمانی ضروری

١- [١]. كليني، الكافي، ج ١، ص ١٩٨ - ٢٠٥؛ نعماني، الغيبة، ص ٢١٦ - ٢٢٤.

٢- [٢]. علم الهدى، الذخيره، ص ٤١٠ - ٤٢٤.

می نماید (۱).

شرایط امام:

اشاره

با توجه به جایگاه رفیع امام در اجتماع، برای او شرایط ویژه ای هست که او را از هر فرد دیگری از افراد امت ممتاز می سازد که از آن جمله است:

۱. عصمت:

انسان برای ادامه ی زندگی به خوراک، پوشاک، مسکن و ... نیاز دارد، او نمی تواند همه ی آنها را شخصاً تأمین کند و لذا جامعه ی بشری به تعاون و همیاری نیاز دارد.

این تعاون و تعامل آنها را در معرض تجاوز به حقوق همدیگر قرار می دهد.

برای جلوگیری از بروز فتنه، بازستاندن حق مظلوم و ایصال حق به صاحب حق نیاز مبرم به وجود امام معصوم _ که از هر لغزشی مصون باشد _ احساس می شود و گرنه او نیز به امامی دیگر محتاج خواهد بود. (۲)

امام در تنفیذ احکام، اقامه ی حدود، حفظ شریعت و تأدیب امت جانشین پیامبر است، از این رهگذر عصمت در امام دقیقاً همانند عصمت در پیامبر است، که باید هرگز گناه صغیره و کبیره از او سر نزد و سهو و

ص: ۱۸

۱- [۱]. شیخ مفید، تمهید الاصول، ص ۴۴۵ _ ۴۶۳؛ علم الهدی، الشافی فی الامامه، ج ۱، ص ۴۷ _ ۱۰۲.

۲- [۲]. علامه حلی، منهاج الکرامه، ص ۱۳۷.

نسیان بر او راه نداشته باشد و این عقیده ی همه ی شیعیان است ، به جز آنان

که از راه صحیح منحرف شده اند . (۱)

اعتقاد شیعه ی امامیه در مورد پیامبران و امامان این است که هرگز گناه

صغیره یا کبیره از آنها سر نزنند ، چه پیش از نبوت یا بعد از آن . (۲)

۲. نصّ:

شرط عصمت در امام ایجاب می کند که از سوی خداوند بالخصوص

« منصوب » باشد ، زیرا جز خداوند کسی از اسرار و مکنونات قلبی افراد

آگاه نیست .

امام سجاد علیه السلام در این رابطه می فرماید :

الْإِمَامُ مِمَّنْ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا ، وَلَيْسَتْ الْعِصْمَةُ فِي ظَاهِرِ الْخَلْقِ

فَيُعْرَفَ بِهَا ، وَلِذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَنْصُوبًا ؛

امام از ما خاندان باید معصوم باشد ، نشانه ی معصوم بودن در ظاهر

خلقت نیست تا همگان آن را بازشناسند ، از این رهگذر باید

منصوص باشد . (۳)

ضرورت عصمت امام از ضرورت نصّ از سوی خدا حکایت می کند ،

که تنها او واقف بر سرائر و ضمائر افراد می باشد ، از این رهگذر حق

انتخاب و گزینش به مردم داده نشده ، بلکه باید از سوی پروردگار نصب

ص: ۱۹

۱- [۱] . شیخ مفید ، اوائل المقالات ، ص ۳۵ .

۲- [۲] . علم الهدی ، تنزیه الأنبياء ، ص ۱۵ .

۳- [۳] . شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص ۱۳۲ .

شده ، توسط پیامبر معرفی شده ، به وسیله ی امام پیشین اعلام گردد ،

چنانکه قرآن کریم می فرماید :

« وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ، مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ » ؛

پروردگارت آنچه بخواهد می آفریند و برمی گزیند ، آنها حق

انتخاب و گزینش ندارند. (۱).

امام علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

امام را خداند برمی گزیند ، مردم حق گزینش امام را

ندارند. (۲).

۳. افضلیت :

امام علاوه بر عصمت و نص ، باید افضل انسانهای موجود در روی زمین

باشد ، یعنی نسبت به احکام شریعت ، اقسام سیاست و تدبیر امور امت از

همه داناتر ، در کمالات از همه برتر ، از نظر نیروی بدنی از همه دلیرتر و

در رغبت به موجبات اجر و پاداش الهی از همه نیرومندتر باشد. (۳).

امام و پیشوای امت باید از همه ی افراد امت افضل باشد ، زیرا تقدیم

مفضول بر فاضل عقلاً و نقلاً قبیح است ، اَمَّا عَقْلًا ، پس همه ی عقلا بر آن

اعتراف دارند و اَمَّا نَقْلًا ، قرآن کریم می فرماید :

ص: ۲۰

۱- [۱]. سوره قصص ۲۸ ، آیه ۶۸ .

۲- [۲]. علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۲ ، ص ۱۴۳ .

۳- [۳]. علم الهدی ، الذخیره ، ص ۴۲۹ ؛ همو ، الشافی ، ج ۲ ، ص ۴۱ .

« أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى
فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ » ؛

آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند برای پیروی کردن
شایسته تر است ، یا کسی که خود هدایت نمی شود مگر اینکه
هدایتش کنند ؟ شما را چه می شود ، چگونه داوری می کنید ؟ (۱)
ضرورت شناخت امام :

دلایل عقلی و نقلی فراوانی دلالت می کنند بر اینکه باید همه ی انسانها
در همه ی قرون و اعصار امام زمان خود را بشناسند و گرنه رشته ی اتصال
آنها با دین مقدس اسلام خواهد گسست و به عهد جاهلیت و بربریت
خواهند پیوست .

یکی از دلایل روشن آن حدیث معروفی است که محدثان بزرگ شیعه و
سنّی با سلسله اسناد صحیح و معتبر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند که
فرمود :

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ؛

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته
است .

این حدیث شریف را بدون هیچ کم و کاست ، در منابع مهم حدیثی
شیعه ، بزرگان جهان تشیع روایت کرده اند ، که از آن جمله است :

ص: ۲۱

۱. ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز - قرن چهارم - (۱)
۲. ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه ، مشهور به : شیخ صدوق ، متوفای ۳۸۱ هـ . (۲)
۳. سید مرتضی علم الهدی ، متوفای ۴۳۶ هـ . (۳)
۴. امین الاسلام ، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی ، متوفای ۵۴۸ هـ . (۴)
۵. سید ابوالقاسم ، علی بن موسی بن جعفر ، مشهور به سید ابن طاووس ، متوفای ۶۶۴ هـ . (۵)
۶. علی بن عیسی اربلی ، متوفای ۶۹۳ هـ . (۶)
۷. حسن بن یوسف بن مطهر حلّی ، متوفای ۷۲۶ هـ . (۷)
۸. علی بن حسین بن عبدالعالی ، مشهور به محقق کرکی ، متوفای ۹۴۰ هـ . (۸)
۹. شیخ بهاءالدین محمد عاملی ، متوفای ۱۰۳۰ هـ . (۹)

ص: ۲۲

-
- ۱- [۱] . خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۲۹۲ .
 - ۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۰۹ .
 - ۳- [۳] . علم الهدی ، الذخیره فی الکلام ، ص ۴۹۵ .
 - ۴- [۴] . امین الاسلام طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۵۳ .
 - ۵- [۵] . سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ص ۴۶۰ .
 - ۶- [۶] . اربلی ، کشف الغمه ، ج ۳ ، ص ۳۱۸ .
 - ۷- [۷] . علامه حلّی ، منهاج الکرامه ، ص ۲۷ .
 - ۸- [۸] . محقق کرکی ، نفحات اللاهوت ، ص ۱۳ .
 - ۹- [۹] . فیض کاشانی ، گلزار قدس ، به نقل محدّث قمی در سفینه البحار ، ج ۶ ، ص ۷۵ .

پ ۱۰. ملامحسن فیض کاشانی ، متوفای ۱۰۹۱ هـ . (۱)

۱۱. محمد بن حسن ، حرّ عاملی ، متوفای ۱۱۰۴ هـ . (۲)

۱۲. مولی محمدباقر مجلسی ، متوفای ۱۱۱۰ هـ . (۳)

اما راویان این حدیث به همین تعبیر از بزرگان اهل سنت :

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری ، متوفای ۲۶۱ هـ . (۴)

۲. قاضی عبدالجبار معتزلی ، متوفای ۴۱۵ هـ . (۵)

۳. محمد بن فتوح حمیدی ، متوفای ۴۸۸ هـ . (۶)

۴. مسعود بن عمر بن عبدالله تفتازانی ، متوفای ۷۹۱ هـ . (۷)

۵. علی بن سلطان محمد قاری ، متوفای ۱۰۱۴ هـ . (۸)

۶. مولی حیدرعلی فیض آبادی هندی ، متوفای ۱۲۰۵ هـ . (۹)

۷. حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی ، متوفای ۱۲۹۴ هـ . (۱۰)

ص: ۲۳

۱- [۱]. شیخ بهائی ، الأربعین ، ص ۲۰۶ .

۲- [۲]. شیخ حر عاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۴۶ .

۳- [۳]. علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۸ ، ص ۳۶۸ ؛ ج ۳۲ ، ص ۳۲۱ و ۳۳۱ ؛ ج ۵۱ ، ص ۱۶۰ ؛ ج ۶۸ ، ص ۳۳۹ .

۴- [۴]. مسلم ، الصحيح ، به نقل ملا علی قاری در الجواهر المضيئه ، ج ۲ ، ص ۴۷۵ .

۵- [۵]. قاضی عبدالجبار ، المغنی ، ج ۱ ، ص ۱۱۶ .

۶- [۶]. حمیدی ، الجمع بین الصحیحین ، ج ۲ ، ص ۳۰۶ .

۷- [۷]. تفتازانی ، شرح المقاصد ، ج ۵ ، ص ۲۳۹ .

۸- [۸]. ملاعلی قاری ، الجواهر المضيئه ، ج ۲ ، ص ۵۰۹ .

۹- [۹]. فیض آبادی ، ازاله الغین ، به نقل شناخت امام ، ص ۴۲ .

۱۰- [۱۰]. قندوزی ، ینایع الموده ، ج ۳ ، ص ۳۷۲ .

این متن با تعبیرهای مختلف و طرق متعدد در کتب حدیثی، تاریخی و عقیدتی تشیع و تسنن آمده، که مجموعاً به ۳۲ تعبیر بالغ می‌گردد، گاهی تفاوت آنها یک واو، فاء، قد و فقد می‌باشد (۱) که ما در اینجا به متن یاد شده بسنده می‌کنیم.

گروهی از علمای شیعه و شماری از علمای اهل تسنن به تواتر حدیث یاد شده تأکید کرده، به صراحت اعلام کرده‌اند که این حدیث در منابع اهل

تشیع و تسنن به طور متواتر، اجماعی و مورد اتفاق می‌باشد. (۲)

براساس این روایت و ده‌ها روایت دیگر که به یک مضمون با تعبیرهای

مختلف از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در کتب پایه و مرجع آمده است، اگر کسی

امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است، یعنی همانند

کسی است که پیش از بعثت نبی مکرم به حال بت پرستی، کفر و الحاد از

دنیا رفته باشد.

در اینجا یک سؤال به طور طبیعی در اذهان نقش می‌بندد و آن اینکه:

کدامین امام؟

این کدامین امام است که اگر کسی او را نشناسد، شناخت خدا و پیامبر

بدون شناخت او انسان را از مرگ جاهلی نجات نمی‌دهد؟

ص: ۲۴

۱- [۱]. برای دسترسی به منابع دیگر متن‌ها را ر. ک: نگارنده، او خواهد آمد، چ ۱۲، ص ۹۴ _ ۱۱۵.

۲- [۲]. شیخ مفید، الافصاح، ص ۲۸؛ سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، ص ۴۶۰؛ شیخ بهائی، الاربعین، ص ۲۰۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۸؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۴۵۶؛ قاضی زنگنه زوری، تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد، ص ۱۶۶.

پیروان مکتب خلفا می گویند: امامت با نصّ امام قبلی، همچنین با

انتخاب اهل حلّ و عقد و راههای دیگر محقق می شود، امامت مفضول با

وجود افضل مانعی ندارد، هاشمی بودن، عصمت و داشتن معجزه شرط

نیست و استدلال می کنند که خلافت خلفای راشدین ثابت است و فاقد

اینها بودند. (۱)

آنگاه روایات نصّ بر خلفای اثناعشر را از بخاری و مسلم نقل کرده، (۲)

بر صحت آنها تأکید کرده، اینگونه توجیه می کنند که منظور از خلفای

دوازده گانه دوازده تن از خلفا در طول تاریخ هستند، که همه ی امت بر

خلافت آنها اعتراف کرده اند و در تعیین آنها گفته اند:

آنچه اتفاق افتاده این است که مردم بر خلافت ابوبکر، عمر،

عثمان و علی اتفاق کرده اند، تا حادثه ی حکمین رخ داده،

آنگاه معاویه به عنوان خلافت شناخته شده، بعد از صلح امام

ص: ۲۵

۱- [۱]. ابن حجر مکی، الصواعق المحرقة، ص ۹.

۲- [۲]. روایات دوازده امام، دوازده امیر و دوازده خلیفه در همه ی منابع حدیثی آمده، که به شماری از آنها براساس تسلسل

زمانی اشاره می کنیم: (۱) سلیمان بن داود طیالسی، متوفای ۲۰۴ هـ. در: مسند، ج ۳، ص ۱۰۵، ح ۷۶۷. (۲) نعیم بن

حماد مروزی، متوفای ۲۲۹ هـ. در: الفتن، ج ۱، ص ۳۹. (۳) احمد حنبل، متوفای ۲۴۱ هـ. در: مسند، ج ۵، ۸۷، ۹۲،

۹۷ و ۱۰۷. (۴) محمّد بن اسماعیل بخاری، متوفای ۲۵۶ هـ.، در صحیح، ج ۹، ص ۱۰۱. (۵) مسلم بن حجاج

نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ. در صحیح، ج ۳، ص ۱۴۵۱-۱۴۵۳. (۶) ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفای ۲۷۵

هـ. در سنن، ج ۴، ص ۱۰۶. (۷) ترمذی، محمّد بن عیسی بن سوره، متوفای ۲۹۷ هـ. در سنن، ج ۴، ص ۵۰۱، ح ۲۲۲۳

. (۸) ابن منادی، احمد بن جعفر بن محمّد، متوفای ۳۳۶ هـ. در الملاحم، ص ۲۶۸-۲۷۱. (۹) ابوالقاسم، سلیمان بن

احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰ هـ. در المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۸۶. (۱۰) حاکم نیشابوری، متوفای ۴۰۵ هـ. در

المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷.

حسن مردم بر او نیز اتفاق نموده اند ، سپس بر پسرش یزید
اتفاق نموده اند ، پس از مرگ یزید اختلافی پدید آمده ، تا بر
عبدالملک بن مروان اتفاق حاصل شده ، آنگاه بر چهار پسرش
ولید ، سلیمان ، یزید و هشام اتفاق نظر بوده ، عمر بن
عبدالعزیز نیز در میان سلیمان و یزید قرار گرفته ، این هفت
نفر بعد از خلفای راشدین و دوازدهمین آنها ولید بن یزید بن
عبدالملک است .

این بهترین دست چینی است که ابن حجر عسقلانی در شرح خود بر
صحیح بخاری ، در ذیل حدیث دوازده امیر آورده (۱) و بسیاری از بزرگان
اهل سنت آن را بهترین توجیه برای دوازده خلیفه دانسته اند . (۲)
ما در اینجا به چهار نکته در کلمات ابن حجر اشاره می کنیم :

۱ . افرادی که ایشان برای مصداق دوازده خلیفه نام برده اند سیزده تن
می شوند که باید یکی از آنها به قید قرعه و یا به هر عنوان دیگر حذف
شود . (۳)

۲ . یکی از دوازده تن در لیست ابن حجر « یزید بن معاویه » است که
جنایات او صفحات تاریخ را سیاه کرده است ، شهادت امام حسین علیه السلام با
بیش از هفتاد تن از بهترین اصحابش ، یکی از جنایات اوست که برای
ص: ۲۶

۱- [۱] . ابن حجر عسقلانی ، فتح الباری ، ج ۱۳ ، ص ۲۱۴ .

۲- [۲] . ابن حجر مکی ، الصواعق المحرقة ، ص ۲۰ .

۳- [۳]. خلفای دوازده گانه در کلام ابن حجر عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، معاویه، یزید، عبدالملک، ولید، سلیمان، عمر بن عبدالعزیز، یزید و هشام پسران عبدالملک و ولید بن یزید بن عبدالملک، که سیزده تن می باشند.

همه ی خوانندگان معلوم است .

یکی از جنایات دیگر او داستان « حَرّه » است که صفحات تاریخ را لکه دار کرده است ، گوشه ای از این فاجعه ی بزرگ تاریخ را از کتاب « تاریخ الاسلام » ذهبی نقل می کنیم :

یزید مسلم بن عقبه را با ۱۲۰۰۰ سوار به مدینه فرستاد و دستور داد که اگر یک تن از بنی امیه کشته شود ، شمشیر بکشد ، به کسی رحم نکند ، زخمی ها و فراری ها را بکشد ، سه روز مدینه را غارت کند .(۱)

مسلم بن عقبه وارد مدینه شده از مردم بیعت می گرفت که برده ی یزید باشند ، او هر چه بخواهد در مورد جان ، مال و ناموسشان تصمیم بگیرد !

هر کس امتناع می کرد او را گردن می زد !

در فاجعه ی حَرّه ۳۰۶ تن از افراد سرشناس مهاجر و انصار کشته شدند که اسامی آنها در منابع تاریخی ثبت شده(۲) ۷۰۰ تن از حاملان قرآن کشته شدند و به حریم هزار تن از دوشیزگان تعدّی شد!(۳)

جالب تر اینکه این همه جنایت به قصد قربت و برای خشنودی خلیفه انجام شده ، و لذا مسلم بن عقبه که این همه جنایت را به فرمان یزید انجام داده ، در لحظات سكرات موت می گوید :

بارالها ، من بعد از شهادتین ، کاری انجام ندادم که از کشتار

اهل مدینه برای من محبوب تر _ و برای روز رستاخیزم _

ص: ۲۷

۲- [۲]. همان ؛ خلیفه بن خیاط عصفری ، ص ۲۵۰.

۳- [۳]. همان ، ص ۲۶ _ ۳۰.

امیدوار کننده تر باشد! (۱)

آخرین جنایت یزید لشکرکشی به مکه ی معظمه بود که در ماه صفر ۶۴ هجری مکه را محاصره کرد ، با منجنیق اهل مکه را سنگباران نمود ، سپاهیان در اطراف کعبه آتش به پا کردند ، شعله های آن پرده ی کعبه را طعمه ی حریق نمود ، سقف کعبه که از چوب بود آتش گرفت ، شاخ های قوچی که به عنوان فدیة برای حضرت اسماعیل آمده بود و از سقف کعبه آویزان بود ، در میان شعله های آتش سوخت . (۲)

کدام شخص عاقلی می تواند به خود تحمیل کند که یزید بن معاویه با این جنایات و کارنامه ی سیاه خلیفه ی پیامبر ، واجب الاطاعه و مخالفتش حرام باشد .

سوگمندانۀ اینکه اهل حل و عقل او را امام زمان دانسته ، معرفتش را بر همگان واجب دانسته اند :

ذهبی با سلسله اسنادش از زید بن اسلم روایت کرده که عبدالله بن مطیع در ایام « حَرّه » به نزد عبدالله بن عمر رفته ، از او کسب تکلیف کرده ، وی در پاسخ گفته : از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود :

مَنْ نَزَعَ يَدًا مِنْ طَاعِهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ حُجَّةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَمَنْ مَاتَ

مُفَارِقًا لِلْجَمَاعَةِ فَإِنَّهُ يَمُوتُ مَوْتَهُ جَاهِلِيَّةً ؛

هر کس دست از اطاعت بکشد روز قیام حجتی نخواهد داشت و

هر کس در حال جدایی از جماعت بمیرد به مرگ جاهلی مرده

١- [١] . همان ، ص ٣٣ .

٢- [٢] . همان ، ص ٣٤ .

است. (۱)

۳. دوازدهمین فردی که ابن حجر او را پایان بخش خلفای دوازده گانه شمرده، ولید بن یزید بن عبدالملک، ششمین خلیفه ی عباسی می باشد. ولید در حدود سال ۹۰ ه. متولد شد، به هنگام فوت پدرش خردسال بوده، پدرش یزید، برادرش هشام را جانشین خود و ولید را ولیعهد او معین کرده است.

احمد در مسند با سلسله اسنادش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که فرمود:

لَيَكُونَنَّ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْوَلِيدُ، لَهُوَ شَرُّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ فِرْعَوْنَ لِقَوْمِهِ؛

بی گمان در این امت مردی خواهد بود به نام « ولید » که شرّ او بر این امت از فرعون بر قوم خود بیشتر است. (۲)

ولید در ربیع الآخر ۱۲۵ ه. پس از فوت عمویش هشام بر مسند خلافت نشست و در جمادی الآخر ۱۲۶ ه. به دست مردم کشته شد، مدت خلافتش در حدود یکسال و دو ماه بود.

در این مدت کوتاه هر جنایتی را انجام داد، که شماری از آنها به قرار زیر است:

(۱) با دخترش آمیخت و بکارتش را از بین برد!!

ص: ۲۹

٢- [٢]. احمد حنبل ، المسند ، ج ١ ، ص ٤٩ ، ح ١٠٩ .

۲) به قرآن تَفَالُّ زِدْ ، این آیه آمد :

« وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ » ؛

طلب گشایش کردند و هر گردنکش کینه توز نومید گردید. (۱)

قرآن را بست ، آنقدر به آن تیراندازی کرد که پاره پاره گردید ، پس

گفت :

ص: ۳۰

۱- [۱]. سوره ابراهیم ۱۴ ، آیه ۱۵ .

أتوعد كل جبار عنيد

فها أنذاكك جبار عنيد

إذا لاقيت ربك يوم حشر

فقل يا ربّ مرفني الوليد

آیا هر گردنکش کینه توز را تهدید می کنی؟ بدان که

آن گردنکش کینه توز من هستم!

هنگامی که در روز رستاخیز پروردگارت را ملاقات

کردی، بگو که «ولید» مرا پاره پاره کرد!! (۱)

(۳) عازم حج بود، گفت: به حج می روم که بر پشت بام کعبه شراب

بخورم. (۲)

(۴) برکه ای از مشروب فراهم کرده بود، چون حال طرب او را رخ

می نمود، خود را در برکه می انداخت، آنقدر مشروب می خورد که در آن

آثار کاهش ظاهر می شد! (۳)

(۵) شبی تا سحر با کنیزش به میگساری مشغول بود، چون اذان صبح

ص: ۳۱

۱- [۱]. دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۳۲۰.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. دمیری، حیاة الحیوان، ج ۱، ص ۱۰۳.

گفته شد ، سوگند یاد کرد که باید همان کنیز برای مردم امامت کند ، پس

جامه هایش را بر او پوشانید و او در حالیکه مست و جنب بود بر مردم

امامت کرد!! (۱)

۶) هنگامی که مردم شورش کردند و او را دستگیر کردند و کشتند و

سرش را در دمشق بر نیزه زدند ، برادرش سلیمان گفت :

از رحمت خدا دور باد ، که من گواهی می دهم که در

میگساری افراط می کرد ، در فسق و فجور غوطه ور بود ، حتی

به من هم سوء قصد نمود . (۲)

برای رعایت عفت قلم بیش از این فجایع او را به تصویر نمی کشیم و به

همین مقدار بسنده می کنیم .

آیا کدام عاقل به خود اجازه می دهد که او را با این کارنامه ی سیاه که قلم

از شرح آن شرم دارد ، خلیفه ی مسلمانان بداند ، اطاعتش را واجب بداند ،

و خیال کند که بر همگان لازم است که او را بشناسند و گرنه با مرگ جاهلی

از دنیا می روند ؟!

ابن حجر عسقلانی او را دوازدهمین خلیفه ی پیامبر و پایان بخش

خلفایی معرفی کرده که شاهرگ حیاتی اسلام به آنها وابسته است ، تا آنها

هستند هیچ آسیبی اسلام را تهدید نمی کند . (۳) و ابن حجر مکی آن را بهترین

چینش و توجیه خلفای اثناعشر دانسته است . (۴)

ص: ۳۲

- ٢- [٢]. ذهبي ، تاريخ الاسلام ، ج ٨ ، ص ٢٩٤ .
- ٣- [٣]. ابن حجر عسقلاني ، فتح الباري ، ج ١٣ ، ص ٢١٤ .
- ٤- [٤]. ابن حجر مكي ، الصواعق المحرقة ، ص ٢٠ .

بسیار جای شگفت است که ذهبی پس از آنکه از غوطه ور شدن او در

معاصی ، حتی تعدی او به همسران پدرش سخن گفته (۱) می نویسد :

کفر و الحاد ولید ثابت نشده ، فقط به جهت اشتهارش به

شرب خمر و لواط بر علیه او خروج کردند . (۲)

آنگاه نقل می کند که در نزد مهدی عباسی نام « ولید » برده شد ، مردی

گفت که او « زندیق » بود ، مهدی عباسی گفت :

مه ، خلافه الله عنده أجل من أن يجعلها في زندیق ؛

ساکت باش ، خلافت اللهی در نزد خداوند بالاتر از آنست که آن را

در یک زندیق قرار دهد ! (۳)

بسیار جالب است که بعد از این همه جنایت و ارتکاب معاصی و تعدی

به محارم خود ، مهدی عباسی مقام « خلافه اللهی » برای او معتقد است !!

اینجا نوبت به بازگنان حدیث می رسد که برای اثبات مقام خلافه

اللهی برای یزیدها و ولیدها دست به جعل حدیث زده ، به پیامبر اکرم

نسبت می دهند که فرمود :

يَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ لَا يَهْتَدُونَ بِهَدَايَ وَلَا يَسْتَنُونَ بِسُنَّتِي ، وَسَيَقُومُ

فِيهِمْ رِجَالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي جُثْمَانِ إِنْسٍ ؛

پس از من پیشوایانی خواهند بود که با هدایت من هدایت

ص: ۳۳

۱- [۱] . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۸ ، ص ۲۹۳ .

۲- [۲] . همان ، ص ۲۹۴ .

نمی شوند و با سنت من رفتار نمی کنند ، در میان آنها افرادی
متصدی امر می شوند که به ظاهر انسان هستند ، ولی در باطن
دل‌های شیاطین در سینه های آنها می تپد .

پرسیدند : اگر چنین روزگاری را درک کنیم چه کنیم ؟ فرمود :

تَسْمَعُ وَتَطِيعُ لِلْأَمِيرِ ، وَإِنْ ضَرَبَ ظَهْرَكَ وَأَخَذَ مَالَكَ ، فَاسْمَعْ
وَاطِعْ ؛

گوش به فرمان امیر باش و از او اطاعت کن ، اگر بر پشت تو تازیانه
بزنند و مال ترا از تو بگیرند ، گوش کن و اطاعت کن !! (۱)

آنگاه حدیث دیگری را ضمیمه می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود :

مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ ، فَمَاتَ ، مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً ؛

هر کس از اطاعت _ سلطان _ بیرون رود و از جماعت جدا شود و از
دنیا بمیرد ، به مرگ جاهلی مرده است . (۲)

سپس نوبت به متکلمانی چون ابوبکر باقلانی می رسد که در کتاب

« تمهید » که کتاب درسی دانشگاه الازهر می باشد و در رشته های فلسفه و

کلام تدریس می شود ، می نویسد :

امام هرگز با فسق ، ظلم ، غصب اموال ، ریختن خون ناحق ،

تضییع حقوق و تعطیل حدود از امامت خلع نمی شود و خروج

بر علیه او واجب نمی باشد !! (۳)

ص: ۳۴

٢- [٢] . همان ، ح ١٨٤٨ .

٣- [٣] . ابوبكر باقلاني ، التمهيد ، ص ١٨٦ .

و لذا می بینیم که عبدالله بن عمر شبانه به نزد حجاج بن یوسف می شتابد و اظهار می دارد که آمدم به وسیله ی تو با عبدالملک بیعت کنم ، زیرا شنیدم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود :

مَنْ مَاتَ وَلَا إِمَامَ لَهُ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ ؛

هر کس بمیرد و امامی برای او نباشد ، به مرگ جاهلی مرده است .

ولی همین شخص با امیرمؤمنان بیعت نکرد و از اینکه بدون امام بمیرد ترسی به خود راه نداد .

و لذا حجاج او را تحقیر کرد ، پایش را از رختخواب بیرون کرد و

گفت : بیا با پای من بیعت کن . (۱)

آیا عقل سلیم باور می کند که انسان با کشیدن دست بر پای حجاج بن

یوسف ثقفی از مرگ جاهلی رهایی یابد و بدون آن به مرگ جاهلی

بمیرد !؟

سوگمندان باید گفت که پیروان مکتب خلافت ، نه تنها خلیفه ، بلکه

هر یک از کارگزاران دولتی را از مصادیق خلیفه الهی دانسته ، هرگونه

مخالفت با او را حرام می پندارند :

زیاد بن کسب عدوی می گوید : با ابوبکره پای منبر « ابن عامر » بودیم ،

لباس نازک پوشیده بود و خطبه می خواند . ابوبلال گفت : به امیر ما نگاه

کنید که لباس فاسقان را می پوشد !

ص: ۳۵

ابوبکره گفت : ساکت باش که از پیامبر شنیدم که گفت :

مَنْ أَهَانَ سُلْطَانَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ ، أَهَانَهُ اللَّهُ؛

هر کس به « سلطانِ خدا در زمین » اهانت کند ، خداوند او را خوار

می سازد! (۱)

ابوبکره آزاد شده ی پیامبر است ، در بصره اقامت گزید ، از فقهای بصره

به شمار می رفت ، هنگامی که به والی معاویه اهانت می شود ، او را

« سلطانِ خدا در روی زمین » می نامد و به اصطلاح نهی از منکر می کند ،

ولی هنگامی که احنف بن قیس را می بیند که لباس رزم پوشیده به قصد یاری

امیرمؤمنان و جنگ با سپاه معاویه حرکت کرده ، به او می گوید :

این کار را نکن که اینها برای دنیا می جنگند و حکومت را

بدون مشورت به دست گرفته اند!! (۲)

ظاهراً جای تعجب نیست ، زیرا « ابوبکره » در دامن « سمیه » تربیت

شده ، و با زیاد بن ابیه از یک پستان شیر خورده است. (۳)

نگارنده از قدیم الایام در مورد پیروان مکتب خلفاء از خود

می پرسید : آنانکه از کارنامه ی سیاه خلفای بنی امیه و بنی مروان آگاه

هستند ، چگونه آنها را خلیفه ی خداوند و سلطانِ خدا در روی زمین

می دانند؟! چگونه آنها را واجب الاطاعه می پندارند و هر گونه خروج بر

علیه آنها را حرام می دانند؟!

ص: ۳۶

٢- [٢]. ذهبي ، سير اعلام النبلاء ، ج ٣ ، ص ٨ .

٣- [٣]. همان ، ص ٦ .

اخيراً با دانشمند فرهیخته ی مصری استاد « صالح الوردانی » آشنا شدم

که قبلاً از پیروان مکتب خلافت بود ، اخیراً به مکتب اهل بیت پیوسته

است (۱) او گفت :

هنگامی که تاریخ را ورق زدم ، کارنامه ی سیاه خلفای

بنی امیه ، بنی مروان و بنی عباس را مشاهده کردم ، با خود

گفتم : اینها کیانند که من ناگزیر از شناخت اینها باشم !؟

نزدیک بود از اسلام برگردم ، لکن خداوند بر من منت نهاد ،

مرا با مکتب اهل بیت آشنا ساخت ، از زیر خروارها خاک که

در طول ۱۴ قرن بر روی مکتب راستین نشسته بود ، اسلام

راستین علوی را با تحقق و پژوهش بیرون کشیدم ، به آغوش

اسلام باز گشتم ، اسلامی ناب از سرچشمه ی زلال علوی .

ص: ۳۷

۱- [۱] . محقق برجسته ، دانشمند فرهیخته ، استاد صالح الوردانی ، از علمای برجسته ی مصری ، اخیراً به مکتب اهل بیت پیوسته ، و به همین دلیل سه سال تمام در پشت میله های زندان در مصر باستان ، از والاترین حقوق بشر برخوردار شده ! دین خود را به پیروان مکتب خلفا ادا کرده ، با نشر آثار ارزشمندی چون : (۱) اهل السنه شعب الله المختار (۲) ابن باز فقیه آل مسعود (۳) الامام علی سیف الله المسلول (۴) تثبیت الامامه لآل بیت النبی (۵) تصحیح العبادات (۶) الحركه الاسلامیه فی مصر (۷) الخطر الوهابی (۸) فقهاء النفط (۹) مذكرات معتقل سیاسی (۱۰) موسوعه آل البيت و دهها اثر دیگر به دفاع از حریم اهل بیت عصمت و طهارت پرداخته است .

۴. در ده ها روایت معتبر و مستند اهل سنت ، حضرت مهدی علیه السلام پایان بخش خلفای دوازده گانه معرفی شده ، ولی ابن حجر به این عنوان توجه نکرده « ولید » را با آنهمه جنایت و خباثت دوازدهمین خلیفه معرفی کرده است !!

* * *

سیمای امام در آینه ی قرآن

خداوند منان در آیات فراوان پیرامون امام و امامت سخن گفته ، ابعاد مختلف آن را در لابه لای آیات قرآن بیان فرموده ، که به جهت محدودیت صفحات این نوشتار به شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱. « وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ

إِمَامًا قَالِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » ؛

به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود ، پس از عهده ی آنها برآمد .

فرمود : من ترا برای مردم « امام » قرار دادم .

گفت : از عترت من نیز ؟

فرمود : عهد من به ستمکاران نمی رسد . (۱)

بی گمان واژه ی « امام » در این آیه غیر از نبوت و فراتر از آن است ، زیرا

این گفت و گو در اواخر عمر حضرت ابراهیم علیه السلام ، یعنی ده ها سال پس از

ص: ۳۸

نبوت او رخ داده است ، زیرا :

۱ . حضرت ابراهیم تا سنین بالا فرزند نداشت و لذا هنگامی که

فرشتگان به او نوید فرزند دادند ، فرمود :

آیا پس از آنکه من پیر شدم به من بشارت فرزند

می دهید ؟ (۱).

۲ . همسرش نیز با اظهار شگفتی گفت :

آیا من در حالی که پیرزن هستم فرزند می آورم و این شوهرم

پیری کهنسال است ؟ به راستی این شگفت آور است . (۲).

۳ . چون صاحب فرزند شد ، عرضه داشت :

حمد خدای را که در پیری اسماعیل و اسحاق را به من عطا

فرمود . (۳).

۴ . تقاضای امامت برای عترت خود پس از اعطای اسماعیل و اسحاق

بوده ، زیرا تعبیر « ذریه » به کار برده ، که به معنای فرزندان خردسال

می باشد . (۴).

۵ . این تقاضا پس از آزمون وی با ذبح حضرت اسماعیل بود که منطق

وحی در این رابطه به صراحت می گوید :

ص: ۳۹

۱- [۱] . سوره حجر ۱۵ ، آیه ۵۴ .

۲- [۲] . سوره هود ۱۱ ، آیه ۷۲ .

۳- [۳] . سوره ابراهیم ۱۴ ، آیه ۳۹ .

۴- [۴] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱ ، ص ۲۶۹ .

به راستی این امتحان آشکاری است. (۱)

روی این بیان حضرت ابراهیم علیه السلام در سنین کهنسالی پس از انجام

مأموریت خطیر ذبح فرزند و دیگر آزمونهای سخت به مقام: « امامت »

مفتخر شده است ، یعنی سالیان دراز پیامبر بود ، ولی امام نبود ، چنانکه در

احادیث فراوان به آن تصریح شده است :

امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید :

خداوند ابراهیم را به « بندگی » برگزید ، پیش از آنکه او را به

پیامبری برگزیند .

سپس او را به « نبوت » برگزید ، پیش از آنکه به رسالت

برانگیزد .

آنگاه او را به « رسالت » برانگیخت ، پیش از آنکه به

« خُلَّت » برگزیند .

آنگاه او را به « خُلَّت » (دوستی) برگزید ، پیش از آنکه

امامت را به او عطا کند .

هنگامی که همه ی این مقامات برای او گرد آمد فرمود :

« إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا » ؛

من ترا برای مردم « امام » قرار دادم .

این مقام به قدری در نظرش باشکوه جلوه کرد که برای

فرزندانش نیز آرزو کرد ، خطاب شد که : عهد من به ستمگران

نمی رسد. (۲)

١- [١]. سورة صافات ٣٧ ، آيه ١٠٦ .

٢- [٢]. كليني ، الكافي ، ج ١ ، ص ١٧٥ ؛ شيخ مفيد ، الاختصاص ، ص ٢٣ .

امام رضا علیه السلام در همین رابطه می فرماید :

امامت مقام بسیار بلندی است که خداوند آن را پس از نبوت

و خُلَّتْ ، به عنوان سومین فضیلت و شرف به ابراهیم عطا

نمود و او را با مدال :

« إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا » مفتخر فرمود .

ابراهیم خلیل از روی خوشحالی برای ذریه اش نیز این مقام را

تقاضا نمود ، خطاب شد :

« لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » .

فَأَبْطَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ إِمَامَةً كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَصَارَتْ فِي

الصُّفُوفِ ؛

این آیه امامت هر ستمگری را تا روز قیامت مَهر بطلان زده و

منحصراً امامت در میان برگزیدگان قرار گرفته است .(۱)

شماری از مفسران عامه نیز با این آیه ی شریفه استدلال کرده اند که

هرگز ستمگر به مقام امامت و منصب خلیفه الهی نمی رسد :

۱ . طبری در تفسیر این آیه از مجاهد و عکرمه نقل کرده که گفته اند :

شخص ستمگر هرگز امام نمی شود .(۲)

۲ . آنگاه طبری نتیجه می گیرد که :

ص: ۴۱

۱- [۱] . شیخ صدوق ، عیون الأخبار ، ج ۱ ، ص ۱۷۱ ، ب ۲۰ ، ح ۱ .

۲- [۲] . طبری ، جامع البیان ، ج ۱ ، ص ۴۱۸ .

هرگز از ظالم پیشوایی که مردم از او پیروی کنند نخواهد بود . خداوند در پاسخ تقاضای ابراهیم خبر داد که تقاضای او را پذیرفته ، جز در مورد آن عده از ذریه ی او که ستمگر باشند .(۱)

۳. قرطبی در تفسیر این آیه می نویسد :

ابراهیم علیه السلام در مورد ذریه اش تقاضای امامت کرد ، خداوند به او خبر داد که در میان آنها افراد گنهکاری خواهد بود .(۲)

۴. آنگاه از گروهی از اهل فضل نقل کرده که آنها گفته اند : این آیه دلالت می کند که امام باید اهل فضل ، احسان ، عدل و صاحب توان بر اراده ی امور باشد ، پس اهل فسق و فجور

شایستگی امامت را ندارند .(۳)

۵. قرطبی سپس از « ابن خويز منداد » نقل می کند که گفت : هیچ ستم پیشه ای نمی تواند : پیامبر ، امام ، خلیفه ، حاکم ، مفتی یا امام جماعت باشد .(۴)

۶. سیوطی در تفسیر این آیه از مجاهد نقل کرده که گفت : خداوند هیچ ستمگری را به امامت نصب نمی کند که مردم از

ص: ۴۲

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . قرطبی ، الجامع لأحكام القرآن ، ج ۲ ، ص ۱۰۷ .

۳- [۳] . همان ، ص ۱۰۸ .

۴- [۴] . همان ، ص ۱۰۹ .

او پیروی کنند. (۱).

۷. نظام الدین حسن بن محمد بن حسین نیشابوری، متوفای ۷۲۸ ه. در

تفسیر خود می نویسد:

کسی که کفر بورزد، ولو به اندازه یک چشم به هم زدن،
شایستگی پیامبری را ندارد، همچنین شخص فاسق در حال
فسق، به اتفاق جمهور مسلمین عقد امام بر او جایز نیست،
زیرا هر فاسق و گنهکاری ظالم می باشد.

سپس می افزاید:

میزان در عدالت ظاهر افراد است، ما به ظاهر افراد نگاه

می کنیم، خدا از باطن اشخاص آگاه است. برخلاف شیعیان که

آنها عصمت را شرط می دانند و می گویند: امام باید معصوم

باشد، ظاهراً و باطناً. (۲).

آری شیعه ی امامیه براساس منطق عقل و رهنمودهای قرآن کریم معتقد

هستند که باید امام معصوم و منصوص باشد، چنانکه از این آیه ی شریفه به

خوبی استفاده می شود. (۳).

۲. « وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ »؛

ص: ۴۳

۱- [۱]. سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲- [۲]. نیشابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان _ در حاشیه تفسیر طبری _ ج ۱، ص ۳۹۲.

۳- [۳]. علامه طباطبائی با دلایل بسیار محکم و استوار اثبات کرده که این آیه شریفه دلالت می کند که باید امام معصوم و منصوص باشد. ر. ک: علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۶۷ _ ۲۷۹.

آن را کلمه ای پایدار در نسل او قرار داد. (۱)

در این آیه ی شریفه از اجابت دعای ابراهیم و قرار گرفتن عهد امامت در دودمان او سخن رفته است .

جالب توجه است که گزارش این دعا و استجاب آن در تورات نیز آمده و در کتاب مقدس که هزاران بار توسط انجمن پخش کتاب مقدسه چاپ و منتشر شده و به بیش از یکهزار زبان ترجمه شده ، تا به امروز دست نخورده باقی مانده است و اینک متن تورات :

و اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم ، اینک او را

برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم ، دوازده

رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم. (۲)

در تفسیر آیه ی فوق ده ها حدیث از پیامبر اکرم ، اصحاب و

اهلیت علیهم السلام وارد شده که توضیح می دهد منظور از ضمیر « جَعَلَهَا » امامت

و منظور از ضمیر « عَقِبِهِ » ابراهیم خلیل می باشد ، که به شماری از آنها

اشاره می کنیم :

۱ . سُدی در این رابطه می گفت :

منظور از تبار حضرت ابراهیم آل محمّد علیهم السلامی باشند. (۳)

۲ . امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

ص: ۴۴

۱- [۱] . سوره زخرف ۴۳ ، آیه ۲۸ .

۲- [۲] . کتاب مقدس ، عهد عتیق ، سفر پیدایش ، ب ۱۷ ، فراز ۲۰ .

٣- [٣]. ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابى طالب ، ج ١ ، ص ٣٠٧ .

یعنی امامت را تا روز قیامت در نسل حضرت ابراهیم قرار

داد. (۱).

۳. امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام تلاوت این آیه فرمود:

رسول خدا از تبار ابراهیم بود، ما اهل بیت نیز از تبار ابراهیم

و از تبار پیامبر هستیم. (۲).

۴. از ابوهریره پرسیدند: آیا منظور از «اهلیت» همسران پیامبر

هستند؟

گفت:

نه، بلکه منظور از اهل بیت ایل و تبار آن حضرت می باشند و

آنها امامان دوازده گانه هستند، که خداوند آنها را در آیه ی:

« وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ » بیان فرموده است. (۳).

۵. امام باقر علیه السلام با توضیح بیشتر به جابر جعفی فرمود:

امامان همانها هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آنها را با اسم معرفی

کرده و فرموده: در شب معراج اسامی امامان را دیدم که با

نور بر عرش الهی نوشته شده بود، و آنها دوازده تن بودند.

سپس امام باقر علیه السلام آنها را اینگونه برشمرد:

علی، دو سبط، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد،

ص: ۴۵

۱- [۱]. همان .

۲- [۲]. سید شرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، ج ۲، ص ۵۵۵.

علی ، حسن و حجت قائم علیهم السلام که اینها امامان برگزیده از

خاندان عصمت و طهارت می باشند (۱).

در این رابطه احادیث فراوان از طریق پیشوایان معصوم رسیده است ،

که به نمونه های یاد شده بسنده کردیم (۲).

۳. « وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ

لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ » ؛

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبر در موضوعی فرمان

دادند _ در برابر فرمان خدا و پیامبر _ از خود حق گزینش داشته باشند (۳).

امام رضا علیه السلام در ضمن خطبه ی بسیار مفصلی که در نخستین روزهای

ورودش به مرو ایراد فرموده ، با این آیه ی شریفه به انتصابی بودن امام

استشهاد نموده ، می فرماید :

يَخْتَارُ اللَّهُ الْأِمَامَ وَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَخْتَارُوا ؛

امام را خداوند برمی گزیند ، آنها حق گزینش ندارند (۴).

روزی خلیفه ی دوم در ضمن یک گفتگوی طولانی به ابن عباس گفت :

قریش نمی خواست که نبوت و خلافت در خاندان شما جمع

شود ، از این رهگذر رایزنی کردند و خلیفه ی خود را

ص: ۴۶

۱- [۱] . همان ، ص ۲۴۶ .

۲- [۲] . ر . ک : سید هاشم بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۸ ، ص ۵۴۶ _ ۵۵۶ .

۳- [۳] . سوره احزاب ۳۳ ، آیه ۳۶ .

۴- [۴] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۸ _ ۲۰۵ ؛ علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۱۴۳ .

برگزیدند و انتخاب درستی نمودند .

ابن عباس گفت : آیا در امان هستم ؟ خلیفه گفت : آری ، هر چه می خواهی بازگویی .

ابن عباس گفت : این که گفتمی : « قریش نمی خواست » خداوند می فرماید :

« ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ » ؛

این بدان جهت است که آنها دوست نداشتند آنچه را که خداوند

برای ایشان نازل کرده بود ، پس اعمالشان را حبط و نابود کرد .(۱)

و اما این که گفتمی : « قریش رایزنی کرد و برگزید » ، خداوند می فرماید :

« وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ » ؛

پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و هر چه را بخواهد

برمی گزیند . آنها حق گزینش ندارند .(۲)

تو خود آگاهی که خداوند از میان بندگانش کسی را که می خواست

برگزید ، پس اگر قریش برگزیده ی خدای را برمی گزیدند ، در آن صورت

انتخاب درستی بود .(۳)

این گفتگو بسیار طولانی است ، علاقمندان به متن کامل آن مراجعه

کنند .(۴)

ص: ۴۷

۱- [۱] . سوره محمد ۴۷ ، آیه ۹ .

۲- [۲] . سوره قصص ۲۸ ، آیه ۶۸ .

٣- [٣]. عبدالفتاح عبدالقصور ، الامام على بن ابي طالب ، ج ١ ، ص ٢٢٠ .

٤- [٤]. همان ، ص ٢١٧ _ ٢٢١ .

آیه ی بعدی راز این حقیقت را برملا کرده می فرماید :

« وَ رَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ مَا يُعْلِنُونَ » ؛

پروردگار تو می داند آنچه را که در سینه های خود مخفی داشته و

آنچه را که ابراز می دارند. (۱)

این دو آیه (۲) به صراحت و شفافیت کامل اعلام می کند حق گزینش

منحصراً از آن خداست ، جز او احدی حق گزینش ندارد ، زیرا تنها او از

اعماق دل مردمان و فرجام کار آنان خبر دارد .

۴ . « وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا » ؛

آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند. (۳)

قرآن کریم در آیه ی دیگری در همین رابطه می فرماید :

« وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا

يُوقِنُونَ » ؛

آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند ، زیرا

شکیبایی پیشه کردند و به آیات ما باور داشتند. (۴)

علامه ی طباطبایی از مقرون گشتن هدایت در آیات مربوطه به امام به

ص: ۴۸

۱- [۱]. سوره قصص ۲۸ ، آیه ۶۹ .

۲- [۲]. یعنی : آیه ۶۸ قصص و ۳۶ احزاب .

۳- [۳]. سوره انبیاء ۲۱ ، آیه ۷۳ .

۴- [۴]. سوره سجده ۳۲ ، آیه ۲۴ .

این نتیجه رسیده که در قرآن کریم همه جا امامت مقرون به هدایت و مقید به « بِأَمْرِنَا » می باشد، یعنی: امام هادی امت است، لکن به فرمان خدا، نه به فرمان مردم. آنگاه به تفصیل در مورد فرمان خدا سخن گفته است. (۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید:

از آنها پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند،

نه به فرمان مردم. آنها فرمان خدا را بر فرمان مردم مقدم

می دارند و حکم خدا را بر حکم آنها مقدم می دارند. (۲)

و در حدیث دیگری فرمود:

این آیه منحصرأً درباره اولاد فاطمه علیها السلام نازل شده است. (۳)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه از پدر بزرگوارشان روایت کرده اند که

فرمود:

منظور امامان از تبار حضرت فاطمه می باشند، که خداوند به

وسیله ی روح _ بزرگترین فرشته _ به سینه های آنها وحی

می کند. (۴)

زید شهید در یک حدیث طولانی از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند

که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به ایشان فرموده بود:

ص: ۴۹

۱- [۱]. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲- [۲]. علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۳- [۳]. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات، ج ۱، ص ۳۲۹؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۸۳.

۴- [۴]. بحرانی، البرهان، ج ۶، ص ۴۸۸.

چون پسر محمد (باقر) را درک کردی ، سلام مرا به او برسان ، او همان من و شبیه ترین مردمان به من می باشد .

دانش او دانش من و داوری او داوری من است .

هفت امام معصوم از نسل او پدید آیند ، که آنها امین ، معصوم ، امام و نیکوکار می باشند .

هفتمین آنها مهدی آنهاست که زمین را پر از عدل و داد کند ، آنگونه که پر از جور و ستم شده باشد .

آنگاه آیه ی شریفه را تلاوت نمود .(۱)

۵ . « یَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ » ؛

به یاد آورید روزی را که هر گروهی از مردمان را با امامشان می خوانیم .(۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

اِمَامُهُمُ الَّذِی بَیْنَ اَظْهَرِهِمْ وَهُوَ قَائِمُ اَهْلِ زَمَانِهِ ؛

هر کسی با امامی خوانده می شود که در عهد او می زیسته ، که او

قائم اهل آن زمان می باشد .(۳)

امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود :

پیامبر اکرم با قوم خود ، امیرمؤمنان با قوم خود ، امام حسن

با قوم خود ، امام حسین با قوم خود می آیند و هر کسی در

ص: ۵۰

۱- [۱] . خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۲۹۸ .

۲- [۲] . سوره اسراء ۱۷ ، آیه ۷۱ .

٣- [٣]. كليني ، الكافي ، ج ١ ، ص ٥٣٦ .

زمان هر امامی در گذشته با او می آید. (۱)

هنگامی که این آیه نازل شد ، اصحاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عرضه داشتند :

یا رسول الله ! مگر شما امام همه ی مسلمانان نیستید ؟ فرمود :

من رسول خدا هستم بر همه ی مسلمانان ، لکن پس از من

امامانی از اهل بیت من از سوی خدا خواهند بود که در میان

مردم به امر امامت قیام کنند ، مورد ایذاء و تکذیب قرار

می گیرند . هر کس از آنها پیروی کند از من است ، با من است

و مرا دیدار می کند .

آگاه باشید که هر کس به آنها ستم کند ، یا بر ستم آنها اعانت

کند ، یا آنها را تکذیب نماید ، از من نیست ، با من نیست و مرا

دیدار نخواهد کرد. (۲)

امام رضا علیه السلام از طریق پدران بزرگوار خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

روایت کرده که در تفسیر این آیه فرمود :

يُدْعَى كُلُّ اُنَاسٍ بِاِمَامٍ زَمَانِهِمْ وَكِتَابٍ رَبِّهِمْ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ ؛

هر گروهی با امام زمان خود ، با کتاب پروردگار خود و با سنت

پیامبر خود فراخوانده می شوند. (۳)

سیوطی و آلوسی در ذیل این آیه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند که

ص: ۵۱

٢- [٢]. همان .

٣- [٣]. ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ٣ ، ص ٨٠ .

فرمود :

يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِإِمَامِ زَمَانِهِمْ ؛

هر قومی با امام زمان خود خوانده می شوند. (۱)

عین همین تعبیر در منابع شیعه نیز از طریق اهلبیت علیهم السلام از رسول

اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است. (۲)

از محضر سالار شهیدان امام حسین علیه السلام پرسیدند : معنای « شناخت

خدا » چیست ؟ امام حسین علیه السلام فرمود :

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ ؛

شناخت خدا عبارت است از شناخت اهل هر زمانی امامی را که

اطاعتش بر آنها واجب است. (۳)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می فرماید :

با توجه به فراگیر بودن عنوان « كُلُّ أَنْاسٍ » که همه ی انسانها را

در طول قرون و اعصار شامل می شود ، آیه ی شریفه دلالت

می کند که باید هیچ زمانی از امام حق خالی نباشد. (۴)

مفسر کبیر قرآن کریم در عصر حاضر از بررسی همه ی آیات مربوط به

امامت در قرآن کریم به این نتیجه رسیده است که :

۱ . امام باید منصوب و منصوب از طرف خداوند باشد .

ص: ۵۲

۱- [۱]. سیوطی ، الدرّ المثثور ، ج ۴ ، ص ۱۹۴ ؛ آلوسی ، روح المعانی ، ج ۱۵ ، ص ۱۱۲ .

۲- [۲]. شیخ صدوق ، عیون الاخبار ، ج ۲ ، ص ۳۲ ، ح ۶۱ ؛ مشهدی ، کنزالدقایق ، ج ۷ ، ص ۴۵۵ .

۳- [۳]. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۹؛ کراچی، کنزالفوائد، ج ۱، ص ۳۲۸.

۴- [۴]. علامہ طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۲۷۳.

۲. امام باید معصوم به عصمت الهی باشد .

۳. تا یک انسان در روی زمین هست ، باید روی زمین خالی از امام حق نباشد .

۴. امام باید مؤید به تأییدات الهی باشد .

۵. باید اعمال مردم از امام پوشیده نباشد .

۶. امام باید بر همه ی آنچه مورد نیاز مردم در امور دین و دنیا است ، عالم باشد .

۷. هرگز امکان ندارد که در میان مردم کسی پیدا شود که در فضایل نفسانی از او برتر باشد .

سپس می فرماید : این ها هفت مسأله از امتهات مسائل امامت است که

از بررسی آیات مربوط به امامت در قرآن کریم به دست می آید .(۱)

آنگاه در پرتو آیات قرآن و تعمق در معانی آن به این نتیجه می رسد که

هدایت امامان با هدایت پیامبران متفاوت است :

۱. هدایتی که برعهده ی پیامبران بوده ، از نوع « اِرَائَةُ الطَّرِيقِ » بود .

۲. هدایتی که برعهده ی امامان هست ، از نوع « ایصال به مطلوب »

می باشد .(۲)

* * *

ص: ۵۳

۱- [۱] . همان ، ص ۲۷۲ _ ۲۷۵ .

۲- [۲] . همان ، ج ۱۴ ، ص ۳۰۴ .

در محیط زیست ما نورهای فراوانی هستند که همه روزه با آنها سرو کار داریم ، همانند نور شمع ، چراغ ، مشعل ، ماه ، اختران و خورشید فروزان ، که همواره محیط زندگی ما را روشن نگه داشته ، تیرگی ها را کنار زده ، دیدگان ما را نوازش داده ، دل‌هایمان را صفا بخشیده ، ارتباط ما را با آنچه در پیرامون ما هست ممکن ساخته اند .

آیا تا به حال در مورد انواری فراتر از نور خورشید ، مفیدتر از نور

خورشید و سریع تر از سرعت نور اندیشیده اید ؟

در این بخش از کتب ، در پرتو انوار درخشان آیات قرآن ، از انواری

سخن می گوئیم که فراتر از نور خورشید می باشند :

۱. خدا

خداوند منان در قرآن کریم خود را « نور » نامیده می فرماید :

« اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ » ؛

خدای نور آسمانها و زمین است. (۱)

راغب گوید : خدای را از این جهت « نور » می نامند که او « منور » است ،

یعنی : نوربخش و نورانی کننده ، که از باب مبالغه در فعلِ تنویر خود را

« نور » نامیده است. (۲)

علامه ی طبرسی گوید : سه معنا برای این آیه گفته شده :

۱. هدایتگر آسمانها و زمین است به آنچه مصلحت آنهاست .

۲. نوربخش آسمانها و زمین است به وسیله ی خورشید ، ماه و

ستارگان .

۳. زینت بخش آسمانهاست با فرشتگان و زینت بخش زمین است ،

پیامبران و دانشوران. (۳)

امام رضا علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه فرمود :

هَادٍ لِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَهَادٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ؛

خدا هدایتگر اهل آسمانها و هدایتگر اهل زمین است. (۴)

ص: ۵۵

۱- [۱]. سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۲- [۲]. راغب اصفهانی ، المفردات ، ص ۵۰۸ .

۳- [۳]. طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۲۲۴ .

۴- [۴]. کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۸۹ ؛ شیخ صدوق ، التوحید ، ص ۱۵۵ ؛ همو ، معانی الأخبار ، ص ۱۵ .

۲. قرآن

در برخی از آیات قرآن ، از آن نور تعبیر شده ، از جمله :

« وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ » ؛

و پیروی می کنند از نوری که با او نازل شده است .(۱)

بسیاری از مفسران نور را در این آیه به قرآن تفسیر کرده اند و در نقلی از

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز روایت شده است .(۲)

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

در شماری از آیات قرآن از رسول عالمیان نور تعبیر شده ، از جمله :

« قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ »

برای شما از سوی خداوند نور و کتابی بیانگر آمده است .(۳)

که منظور از نور رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام

می باشند .(۴)

۴. امیرمؤمنان علیه السلام

در بسیاری از آیات قرآن از امیرمؤمنان علیه السلام نور تعبیر شده است ، از

جمله :

۱. « وَ لَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا »

ص: ۵۶

۱- [۱] . سوره اعراف ۷ ، آیه ۱۵۷ .

۲- [۲] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۴ ، ص ۷۵۰ .

۳- [۳] . سوره مائده ۵ ، آیه ۱۵ .

۴- [۴] . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۱ ، ص ۱۶۴ .

لکن ما او را نوری قرار دادیم که به وسیله ی او هر کسی از بندگان خود را

بخواهیم هدایت می کنیم. (۱).

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: منظور از نور در این آیه

علی علیه السلام است. (۲).

و در حدیث دیگری فرمود: منظور از نور علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۳).

۲. « أَمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلِيٌّ نُورٌ مِنْ رَبِّهِ » ؛

آیا آن کسی که خداوند سینه اش را برای اسلام گشوده است ، پس او بر

نوری از پروردگار خود می باشد. (۴).

واحدی گفته این آیه در حق حمزه سیدالشهداء و علی علیه السلام نازل شده

است. (۵).

۳. « يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا

مُبِينًا » ؛

هان ای مردم برای شما برهانی از سوی پروردگارتان آمده و به سوی

شما نوری آشکار فرستادیم. (۶).

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

ص: ۵۷

۱- [۱]. سوره شوری ۴۲ ، آیه ۵۲ .

۲- [۲]. علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۲۷۹ .

۳- [۳]. شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۵۵۱ .

۴- [۴]. سوره زمر ۳۹ ، آیه ۲۲ .

۵- [۵]. واحدی ، اسباب النزول ، ص ۲۴۸ ؛ ابن شهر آشوب ، مناقب علی بن ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۸۰ .

۶- [۶]. سوره نساء ۴ ، آیه ۱۷۴ .

منظور از برهان حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و منظور از نور

علی علیه السلام است. (۱).

۵. ولایت علی علیه السلام

در شماری از آیات قرآن از ولایت امیرمؤمنان و دیگر امامان علیهم السلام نور

تعبیر شده ، که از آن جمله است :

۱. « لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ » ؛

تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد. (۲).

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر این آیه فرمودند :

یعنی شما را از کفر به ایمان ، یعنی به سوی ولایت علی علیه السلام

بیرون آورد. (۳).

۲. « يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ » ؛

می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند. (۴).

از امام کاظم علیه السلام پرسیدند : منظور از نور خدا چیست ؟ فرمود :

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد. (۵).

۳. « يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ » ؛

ص: ۵۸

۱- [۱]. عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۲۸۵ .

۲- [۲]. سوره حدید ۵۷ ، آیه ۹ .

۳- [۳]. سید هاشم بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۹ ، ص ۳۸۰ .

۴- [۴]. سوره صف ۶۱ ، آیه ۸ .

۵- [۵]. کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۵۸ .

خداوند هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند. (۱)

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

خداوند هر کس را بخواهد به ولایت ما هدایت می کند. (۲)

امام رضا علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود :

خداوند هر کس را دوست بدارد به ولایت ما هدایت

کند. (۳)

ابن مغزلی نیز با اسناد خود از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمود :

خداوند هر کس را بخواهد به ولایت ما هدایت می کند. (۴)

۶. امامان علیهم السلام

در آیات فراوان از امامان معصوم علیهم السلام نور تعبیر شده ، از جمله :

۱. « نُورٌ عَلَى نُورٍ » ؛

نوری بر فراز نور. (۵)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه ی نور فرمود :

یعنی : امام به دنبال امامی دیگر. (۶)

ص: ۵۹

۱- [۱]. سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۲- [۲]. بحرانی ، البراهان ، ج ۷ ، ص ۸۷ .

۳- [۳]. طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۲۲۶ .

۴- [۴]. ابن مغزلی ، مناقب علی بن ابی طالب ، ص ۳۱۶ ، ح ۳۶۱ .

۵- [۵]. سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۶- [۶]. شیخ صدوق ، التوحید ، ص ۱۵۷ .

امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرمود :

یعنی : اِمَامًا مُؤَيَّدًا بِنُورِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ فِي أَثَرِ اِمَامٍ مِنْ آلِ

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ؛

یعنی : امامی تأیید شده با نور دانش و فضیلت ، به دنبال امام دیگری

از آل محمد علیهم السلام . (۱)

حافظ ابن مغزلی از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که در این رابطه

فرمود :

یعنی : امام پشت سر امامی دیگر . (۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرمود :

یعنی : امامی پشت سر امامی دیگر از تبار فاطمه علیها السلام . (۳)

۲ . « وَ يَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ » ؛

برای شما نوری قرار می دهد که در پرتو آن حرکت کنید . (۴)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرمود :

منظور از نور امامی است که از او پیروی کنید . (۵)

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود :

ص : ۶۰

۱- [۱] . همان ، ص ۱۵۸ .

۲- [۲] . ابن مغزلی ، مناقب علی بن ابی طالب ، ص ۳۱۷ ، ح ۳۶۱ .

۳- [۳] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۵ .

۴- [۴] . سوره حدید ۵۷ ، آیه ۲۸ .

۵- [۵] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ و ۴۳۰ ، ح ۸۶ .

برای شما امامی قرار می دهد که از او پیروی نمایید. (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در تفسیر این آیه مصداق را مشخص کرده فرمود :

منظور از نور در این آیه علی علیه السلام است. (۲)

امام باقر علیه السلام با بیان شفاف تر فرمود :

یعنی : برای شما امام عادل قرار می دهد که از او پیروی کنید

و آن علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. (۳)

۳. « وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ » ؛

برای او نوری قرار دادیم که در پرتو آن در میان مردم گام بسپارد. (۴)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه نیز فرمود :

منظور از نور امامی است که از او پروی کنند. (۵)

۴. « فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا » ؛

به خدا ، پیامبر خدا و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید. (۶)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه خطاب به ابوخالد کابلی فرمود :

ای اباخالد ، سوگند به خدا نور همان امامان از آل محمد علیهم السلام

هستند تا روز رستاخیز ، به خدا سوگند آنها همان نور

ص: ۶۱

۱- [۱]. شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۶۶۸ .

۲- [۲]. همان ، ص ۶۶۹ .

۳- [۳]. بحرانی ، البرهان ، ج ۹ ، ص ۴۱۵ .

۴- [۴]. سوره انعام ۶ ، آیه ۱۲۲ .

۵- [۵]. کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۸۵ ؛ عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۷۵ ، ح ۸۹ .

۶- [۶]. سوره تغابن ۶۴ ، آیه ۸ .

خداوند هستند که فرو فرستاده ، به خدا سوگند آنها نور خدا

هستند در آسمانها و زمین .(۱)

۷. حضرت مهدی علیه السلام

در آیات فراوان از جان جانان ، حجت یزدان ، ماه تابان ، خورشید

فروزان ، کعبه ی مشتاقان ، امام عصر و زمان ، حضرت بقیه الله ارواح

العالمین له الفداء ، به نور تعبیر شده ، که از آن جمله است :

۱ . « يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ » ؛

خداوند هر کس را بخواهد به نور خودش هدایت می کند .(۲)

جابر بن عبدالله انصاری تفسیر کامل آیه ی نور را از مولای متقیان

امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده ، امیرمؤمنان در این تفسیر ، « مشکات » را به

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، « مصباح » را به خویشتن ، هر فراز دیگری را به یکی از

امامان نور تطبیق نموده ، سرانجام فراز « يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ » را به آن

حضرت تطبیق نموده فرمود :

منظور از آن مهدی قائم علیه السلام می باشد .(۳)

۲ . « الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ مُبَارَكَةٍ » ؛

آن بلور همانند ستاره ی فروزانی است که از درختی فرخنده برافروخته

ص: ۶۲

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ .

۲- [۲] . سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۳- [۳] . سید هاشم بحرانی ، البرهان ، ج ۷ ، ص ۸۸ ؛ همو ، المحجّه ، ص ۱۴۷ ؛ همو ، اللوامع القرآنیّه ، ص ۲۴۷ .

می شود. (۱).

امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی پاسخ های مولای متقیان علیه السلام را از چند پرسش تفسیری نقل کرده ، در تفسیر فراز بالا از آیه ی نور فرمودند :

منظور از « زُجَاجَه » (بلو) فاطمه ی زهرا و منظور از « شَجْرَه

مُبَارَكَه » رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و منظور از « كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ » همان

قائم منتظر است که زمین را پر از عدل و داد می نماید. (۲).

۳. « وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ » ؛

خدا نور خود را به اتمام خواهد رسانید. (۳).

امام کاظم علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه فرمود :

خداوند با ولایت قائم علیه السلام نور خود را به اتمام می رساند. (۴).

۴. « فَأَمِّتُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا » ؛

به خدا ، پیامبر خدا و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید. (۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در ضمن خطبه ی غدیر خم مضمون این آیه شریفه را

تلاوت کردند ، سپس فرمودند :

مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ فِيَّ مَسْلُوكٌ ثُمَّ فِي عَلِيِّ ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ

ص: ۶۳

۱- [۱]. سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۲- [۲]. نعمانی ، رساله محکم و متشابه ، ص ۴ .

۳- [۳]. سوره صف ۶۱ ، آیه ۸ .

۴- [۴]. کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۳۲ ، ح ۹۱ .

مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَلْنَا؛

هان ای مردمان ، این نور در من قرار گرفته ، سپس در علی ، سپس

در نسل او تا قائم مهدی ، که حق خدا و همه ی حقوق ما را

می گیرد .(۱)

آنگاه به تفصیل ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام را برشمرده ، در پایان

می فرماید :

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ ، وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ ، وَلَا نُورَ إِلَّا

عِنْدَهُ ، أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ ؛

آگاه باشید که او بازمانده ی حجت ها می باشد ، پس از او حجتی

نیست ، حق تنها با اوست ، نور تنها در نزد اوست ، هرگز احدی به

او غالب نمی شود و کسی بر او چیره نمی گردد .(۲)

۵. « وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا » ؛

زمین با نور پروردگارش روشن گردد .(۳)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

رَبُّ الْأَرْضِ يَعْنِي إِمَامَ الْأَرْضِ ؛

منظور از « رَبُّ الْأَرْضِ » ، امام زمین است .

مفضل پرسید : هنگامی که او خروج کند چه اتفاقی رخ می دهد ؟

ص: ۶۴

۱- [۱]. طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۱ ، ص ۶۱ .

۲- [۲]. همان ، ص ۶۴ .

فرمود :

إِذْ يَسْتَعِينِي النَّاسُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَنُورِ الْقَمَرِ ، وَيَجْتَرُونَ بِنُورِ

الْإِمَامِ ؛

در آن هنگام مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و به نور

امام علیه السلام بسنده می کنند .(۱)

و در حدیث دیگر با بیان روشن تر فرمود :

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى النَّاسُ عَنِ

ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ ؛

چون قائم ما قیام نماید ، زمین با نور صاحبش روشن گردد و مردم

از نور خورشید بی نیاز شود و تاریکی از بین برود .(۲)

در برخی نقلها این فراز نیز آمده است که :

وَصَارَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاحِدًا ؛

شب و روز یکی شود .(۳)

جالب توجه است که این مضمون در کتب آسمانی نیز آمده است ، به

عنوان نمونه دو فراز از انجیل را در اینجا می آوریم :

شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد ، زیرا

که جلال خدا آن را منور می سازد .(۴)

ص: ۶۵

۱- [۱] . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۲۵۳ .

۲- [۲] . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۸۱ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۹۳ .

٣- [٣]. طبرى ، دلائل الامامه ، ص ٤٥٤ و ٤٨٦ .

٤- [٤]. كتاب مقدس ، عهد جديد ، مكاشفه يوحنا ، ٢١ : ٢٤ .

دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب

ندارند ، زیرا که خداوند خدا برایشان روشنایی می بخشد .(۱)

این بود نمی از یم ، قطره ای از دریا و اندکی از بسیار ویژگیهای امامان

نور در آیات نورانی قرآن کریم ، که تحت عنوان « فراتر از خورشید » تقدیم

گردید .

این بخش را با حدیثی از امام باقر علیه السلام در همین رابطه حسن ختام

می بخشیم :

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی هشتم از سوره تغابن خطاب به ابو خالد

کابلی فرمود :

وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ : لَنُورُ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ

الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ ؛

وَهُمْ وَاللَّهِ يَنُورُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَيَحُجُّبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نُورَهُمْ

عَمَّنْ يَشَاءُ فَتَظَلَّمُ قُلُوبُهُمْ ؛

به خدا سوگند ای اباخالد ، نور امام در دل‌های مؤمنان از نور

خورشید فروزان در وسط روز پرنورتر است .

به خدا سوگند امامان دل‌های مؤمنان را منور می سازند ، لکن نور

آنها را از هر کس بخواهد در حجاب قرار می دهد ، پس دل‌های آنها

تاریک می گردد .(۲)

ص: ۶۶

٢- [٢]. كليني ، الكافي ، ج ١ ، ص ١٩٤ .

* * *

ص: ٦٧

نقش امام در زدودن تاریکی ها

نور و ظلمت دو واژه ی متقابل هستند ، و هر دو بر دو قسم هستند :

۱ . محسوس

۲ . غیر محسوس

خداوند منان از روی حکمت بالغه و رحمت واسعه اش برای زدودن ظلمتهای مادی ، انوار مادی و برای زدودن ظلمتهای معنوی ، انوار معنوی قرار داده است .

خداوند برای زدودن تاریکی های محسوس ، خورشید ، ماه ، ستارگان ، چراغ ، شمع ، انواع پرتو افکن های نفتی ، گازی ، برقی و غیره در اختیار انسانها قرار داده است .

ص: ۶۸

این خورشید جهان افروز میلیونها سال با نور خود به کرات منظومه نور و حرارت داده ، با خاصیت میکروب زدایی خود محیط زیست را قابل زیست نموده ، با خاصیت پرورش خود گیاهان و جانداران را پرورش داده است .

ماه و ستارگان در غیاب خورشید نقش او را در سطحی فروتر انجام داده اند ، ولی هرگز خورشید ، ماه ، ستارگان و دیگر ابزار پرتوافکن و انرژی زا نمی توانند تاریکی دلها را بزدايند و از انوار درخشان خود بر دلهاي تاریک بتابانند و تاریکی جهل ، حرص ، شقاوت و ... را از آن ها بزدايند . برای زدودن تاریکی های معنوی انوار معنوی لازم است ، که با تابش آنها بر دلهاي تاریک ، هر گونه تاریکی را از آنها بزدايند و با انوار الهی آنها را روشن و منور بنمایند .

در بخش پیشین با جلوه هایی از نور امام آشنا شدیم و دانستیم که نور امام از نور خورشید فراتر و پرفروغتر است .

برای زدودن تاریکی های معنوی خداوند نور امام را با قدرت و وسعت بسیار والایی قرار داده ، که بر هر دلی بتابد زوایای تاریک آن را منور می سازد و او را از تاریکی بیرون آورد به ساحل نجات ، سعادت ، رحمت و نور می رساند .

نور امام برافروخته از نور خدا و نور رسول خدا است ، از این رهگذر این عمل امام را قرآن کریم ، گاهی به خدا ، گاهی به رسول خدا و گاهی به امامان نور نسبت می دهد :

١. « اللّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ » ؛

ص: ٦٩

خدا ولی کسانی است که ایمان آورده اند، آنها را از تاریکی ها به سوی نور

بیرون می برد. (۱).

ظلمات در این آیه بی گمان ظلمتهای معنوی، از قبیل گناه، جهل و

پیروی خلفای جور می باشد و نور در مقابل عبارت از توبه، ایمان و پیروی

از اولیای الهی است، چنانکه امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

از ظلمت های گناه به سوی نور توبه و مغفرت به وسیله ی

پیروی از امام عادل انتخاب شده از سوی خدا بیرون

می برد. (۲).

۲. « كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ » ؛

این کتابی است که آن را به سوی تو فرستادیم تا مردمان را از تاریکی ها به

سوی نور بیرون ببری. (۳).

در این آیه نیز منظور از تاریکی ها، تاریکی های معنوی می باشد.

۳. « أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ

مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا » ؛

آیا کسی که مرده است، پس او را زنده کردیم و برای او نوری قرار دادیم

که به وسیله ی آن در میان مردم گام می سپارد، آیا او همانند کسی است که

در میان تاریکی ها باشد و از آن بیرون شدنی نباشد؟! (۴).

ص: ۷۰

۱- [۱]. سوره بقره ۲، آیه ۲۵۷.

۲- [۲]. کلینی، الکافی ج ۱، ص ۳۷۵.

۳- [۳]. سوره ابراهیم ۱۴ ، آیه ۱ .

۴- [۴]. سوره انعام ۶ ، آیه ۱۲۲ .

در آیه ی نخستین از بیرون آمدن انسانها از تاریکی های معنوی به

وسیله ی خدا، در آیه ی دوم به وسیله ی پیامبر اکرم و در آیه ی سوم به وسیله ی امامان گفتگو شده است .

در آیات فراوان تأکید شده که هدایت نور و ضلالت ظلمات است ،

هدایت زندگی و ضلالت مرگ است ، از این رهگذر معلوم می شود که

مهم ترین نقش امامان نور ، زنده کردن دل‌های مرده و بیرون آوردن آنها از

تاریکی ها به سوی نور ایمان می باشد .

از تقابل نور و ظلمات در این آیات استفاده می شود که امام عادل مشعل

هدایت و خلفای جور کانون ظلمات هستند ، چنانکه در احادیث فراوان

به این حقیقت اشاره شده است :

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود :

« مَیْتٌ » یعنی کسی که چیزی نمی داند ، « نُورٌ » یعنی امامی که

از او پیروی کنند ، « ظُلُمَاتٌ » یعنی کسی که امام را

نشناسد .(۱)

و در حدیث دیگری فرمود :

مَیْتٌ ؛ کسی که امامت را نمی داند ، نُورٌ ؛ امامی که از او پیروی

کنند ، که علی بن ابی طالب است و ظُلُمَاتٌ ؛ این مردمانی که

چیزی نمی دانند .(۲)

ص: ۷۱

و در تفسیر قمی آمده است :

میت ؛ جاهل به حق و ولایت ، نُور ؛ ولایت و ظُّلمات ؛ ولایت

غیرامامان می باشد .(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به هنگام گفتگو از خلقت نوری امامان فرمود :

خداوند بعد از من و بعد از علی ، یازده تن امام برگزید ، یکی

پس از دیگری ، هر کدام در گذرد دیگری جای او برخیزد ،

همانند ستارگان آسمان ، که هر ستاره ای غروب کند ، ستاره ای

دیگر طلوع می کند ، که هدایتگران هدایت یافته هستند ، هر

کس به آنها حيله کند ، یا آنها را خوار سازد ، به آنها صدمه

نمی زند ، آنها حجت خدا در روی زمین و گواهان خدا در

میان بندگان خدا هستند ، هر کس از آنها اطاعت کند ، از خدا

اطاعت کرده و هر کس آنها را نافرمانی کند ، خدا را نافرمانی

کرده ، آنها همواره با قرآن و قرآن با آنهاست ، از یکدیگر جدا

نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

همه ی انوار حسی و ظاهری محیط ظاهری و مادی را روشن می سازند

ولی انوار درخشان الهی هم محیط زندگی معنوی انسان را در این سرای

روشن می سازند ، هم در آن سرای ، پیشوایان نور هم در این جهان راهبر و

راهنما هستند و دلهای مستعد را از نور ایمان آکنده می سازند ، هم در سرای

آخرت پیشوا و پشتیبان هستند و اهل ایمان را تا مراتب والای رحمت الهی

۱- [۱]. علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۱ ، ص ۲۱۵ .

۲- [۲]. سید هاشم بحرانی ، البرهان ، ج ۹ ، ص ۴۹۷ .

رهنمون می شوند :

« يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ
بِأَيْمَانِهِمْ » ؛

روزی که مردان و زنان با ایمان را می بینی که نورشان در پیشاپیش آنها و از

سوی راست آنها پیش می تازد. (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

امامان نور روز رستاخیز پیشاپیش مؤمنان و از سوی راست

آنان پیش می تازند تا آنها را به جایگاه خود در بهشت

برسانند. (۲)

انوار درخشان الهی همانند انوار حسی جهان طبیعت است ، اگر کسی

نخواهد از نور خورشید استفاده کند ، بین خود و نور خورشید عایق ایجاد

کند ، از نور خورشید محروم خواهد بود ، شرط استفاده از انوار الهی نیز

پیروی از نور الهی است ، چنانکه در شماری از آیات قرآن این معنی به

صراحت آمده است ، از جمله :

« وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ » ؛

و پیروی کردند از نوری که با او نازل شده است. (۳)

پس اگر کسی از این نور پیروی نکند و از تابش نور الهی بر دلش

جلوگیری نماید ، از آثار حیاتبخش آن محروم خواهد بود ، و لذا می بینیم

ص: ۷۳

٢- [٢]. كلینی ، الکافی ، ج ١ ، ص ١٩٥ .

٣- [٣]. سورہ اعراف ٧ ، آیه ١٥٧ .

که قرآن کریم در مورد هدایتگری خود می فرماید :

« ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ » ؛

این کتاب که شکی در آن نیست ، هدایت است برای پارسایان .(۱)

قرآن برای همه ی انسانها هدایتگر است ، ولی تنها تقوا پیشگان از

هدایت آن سود می برند .

امام نیز خورشید فروزانی است که هر لحظه نورافشانی می کند ، ولی

تنها کسانی از این انوار بیکران بهره می برند که از آنها پیروی کنند و بین خود

و این انوار درخشان با گناهان سدّ ایجاد نکنند .

قرآن کریم شرط استفاده از انوار الهی را ایمان و عمل صالح معرفی کرده

می فرماید :

« رَسُوْلًا يَتْلُوْا عَلَيْكُمْ اٰیٰتِ اللّٰهِ مُبَيِّنٰتٍ لِّیُخْرِجَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوْا

الصّٰلِحٰتِ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلٰی النُّوْرِ » ؛

پیامبری آیه های روشنگر خداوند را برای شما تلاوت می کند ، تا کسانی را که

ایمان آورده عمل صالح انجام دهند ، از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد .(۲)

روی این اساس شرط استفاده از نور الهی ایمان و عمل صالح است ، اگر

ایمان و عمل صالح نباشد ، انسان از این نور محروم می شود .

اگر مردم نخواهند از نور امام استفاده کنند ، امام در پشت پرده ی غیبت

قرار می گیرد و همگان از ارتباط مستقیم _ دو سویه _ محروم می شوند .

وجود مقدس امام عصر علیه السلام به علی بن مهزیار فرمود :

۱- [۱]. سوره بقره ۲، آیه ۲.

۲- [۲]. سوره طلاق ۶۵، آیه ۱۱.

يَا أَيُّهَا الْمَازِيَارِ ، أَبِي : أَبُو مُحَمَّدٍ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ أُجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ؛

ای پسر مهزیار ، پدرم ابومحمد (امام حسن عسکری علیه السلام) با من
پیمان بسته که با قومی که خداوند به آنها غضب کرده مجاورت
نکنم . (۱)

امیرمؤمنان علیه السلام در بیان شفافی راز این محرومیت را توضیح می دهد :

وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ ، وَلَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْمِي
خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَجَوْرِهِمْ وَأَسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ ؛

بدانید که زمین هرگز خالی از حجت خدای عزوجل نمی شود ،

لکن خداوند آفریده هایش را به جهت جور ، ستم و اسرافشان بر

خودشان ، _ از دیدار حجت خدا _ نابینا می سازد . (۲)

* * *

ص: ۷۵

۱- [۱] . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۲ .

۲- [۲] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۴۱ .

خورشید نهان در پشت ابرهای گران

در آستانه ی دوازدهمین قرن آغاز غیبت کبری هستیم .

روز نیمه ی شعبان ۳۲۹ هجری علی بن محمد سمري ، آخرین نایب

خاص حضرت بقیه الله ارواحنا فداه درگذشت و آخرین خورشید فروزان

امامت در پشت ابرهای گران « غیبت کبری » قرار گرفت .(۱)

ص: ۷۶

۱- [۱] . روز نهم شعبان ۳۲۹ ه . توفیق شریف از سوی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به آخرین نایب خاص رسید ، که ای علی بن محمد سمري تا شش روز دیگر دنیا را وداع خواهی کرد ، کسی را به جای خود معرفی نکن ، که غیبت دوم فرارسید ، و دقیقاً روز نیمه شعبان ۳۲۹ ه . درگذشت و غیبت کبری آغاز گردید . ر . ک : شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۵۱۶ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۳۹۵ .

خداوند منان با حکمت بالغه اش یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر

برای ارشاد و هدایت مردمان فرستاد که غالب آنها توسط طاغوت های

زمان خود به شهادت رسیدند ، پس از این قبیله ی نور که از آدم ابوالبشر تا

حضرت ختمی مرتبت ادامه داشت ، خداوند منان دوازده امام از خاندان

پیامبر اکرم برگزید و توسط شخص پیامبر اسامی و مشخصات آنان را بیان

نمود. (۱)

خداوند منان با حکمت بالغه اش دوازدهمین امام نور را به عنوان خاتم

اوصیاء و آخرین حجت خود برگزیده بود ، مردمان یازده مشعل هدایت را

به دست خود به شهادت رسانیدند و از دوازدهمین حجت روی گردان

شدند ، خداوند به آنها غضب کرد و آخرین امام نور را در پشت پرده ی

غیبت قرار داد .

محمد بن فرج می گوید : ابو جعفر _ امام جواد _ علیه السلام به من نوشت :

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جِوَارِهِمْ ؛

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی بر مردمان غضب نمود ، ما را از

مجاورت آنها دور می سازد. (۲)

در مدت هفتاد سال (۲۶۰ تا ۳۲۹ ه .) چهار تن از شخصیت های

برجسته ی جهان تشیع متصدی امر سفارت بودند که پرسش های مردم را به

محضر امام علیه السلام ایصال نموده ، پاسخ های آن حضرت را با خط شریف آن

ص: ۷۷

اختصاص داده، ۳۱۰ حدیث در این رابطه گرد آورده است .
۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۴۳ .

حضرت که برای خواص شیعیان شناخته شده بود، به مردم می رسانند .

این چهار تن عبارت بودند از :

۱ . ابو عمرو ، عثمان بن سعید بن عمرو ، متوفای ۲۶۵ ه .

۲ . ابوجعفر ، محمد بن عثمان بن سعید عمری ، متوفای ۳۰۵ ه .

۳ . ابوالقاسم ، حسین بن روح نوبختی ، متوفای ۳۲۶ ه .

۴ . ابوالحسن ، علی بن محمد سمری ، متوفای ۳۲۹ ه .

نایب اول از عهد امام هادی علیه السلام مورد عنایت و توجه امامان بوده ، امام

هادی به احمد بن اسحاق قمی می فرماید :

این ابو عمرو ، ثقه و امین است ، آنچه به شما بگوید از من گفته

است و آنچه به شما ابلاغ کند ، از من ابلاغ کرده است . (۱)

امام عسکری علیه السلام در مورد وی و پسرش محمد بن عثمان می فرماید :

عمری و پسرش هر دو ثقه هستند ، آنچه به شما ابلاغ کنند ،

از سوی من ابلاغ کرده اند و آنچه به شما بگویند ، از قول من

گفته اند . (۲)

نایب دوم در لحظات واپسین اعلام کرد که به امر حضرت من مأمور

شده ام که حسین بن روح را به جای خود نصب کنم ، او وکیل و سفیر

حضرت ، مورد اعتماد و وثوق آن حضرت می باشد ، به او مراجعه کنید و

بر او اعتماد کنید . (۳)

ص: ۷۸

٢- [٢] . همان .

٣- [٣] . طوسی ، الغیبه ، ص ٣٧١ .

او نیز در لحظات آخر به علی بن محمد سمری وصیت نمود و او را قائم

مقام خود اعلام کرد. (۱).

با توجه به حساسیت موضوع ، معجزات و کرامات فراوانی به دست

نواب چهارگانه رخ داده که شیعیان در نیابت و سفارت آنها دچار تردید

نشوند. (۲).

خداوند منان از روی رحمت و اسعه اش برای آمادگی اذهان بندگان ،

برای بسیاری از پیامبران دوران غیبتی پیش آورده ، تا مردم آخرالزمان از

پیشینه ی آن در عصر پیامبران آگاه بشوند و بتوانند غیبت حجت خدا را بر

خود هموار کنند. (۳).

شیخ صدوق در دیباچه ی کتاب شریف « کمال الدین و تمام النعمه »

می نویسد :

شبی در عالم رؤیا به محضر حضرت صاحب العصر

والزمان علیه السلام رسیدم ، فرمود : چرا کتابی پیرامون غیبت

نمی نویسی ؟ ! عرضه داشتم که در این رابطه کتابهایی تألیف

کرده ام .

فرمود : اینک کتابی بنویس و در آن غیبت های پیامبران را

بیان کن. (۴).

ص: ۷۹

۱- [۱]. همان ، ص ۳۹۳ .

۲- [۲]. ر . ک : شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۳۵۳ _ ۳۹۶ .

٣- [٣]. ر. ك : شيخ صدوق ، كمال الدين ، ج ١ ، ص ١٢٧ _ ١٦١ .

٤- [٤]. همان ، ص ٣ .

شیخ صدوق در این کتاب غیبت پیامبران را بیان کرده ، احادیث پیامبر

اکرم ، فاطمه ی زهرا ، امیرمؤمنان ، امام حسن مجتبی تا امام حسن

عسکری علیهم السلام در مورد غیبت آن حضرت با سلسله اسناد خود برشمرده

است .(۱)

در شماری از احادیث مربوط به غیبت تصریح شده که برای آن حضرت

دو غیبت است :

۱ . کوتاه

۲ . بلند

غیبت کوتاه در میان شیعیان به غیبت « صغری » و غیبت بلند به غیبت

« کبری » مشهور شده است .

به عنوان نمونه به نقل یک حدیث در این رابطه تبرک می جوئیم :

مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که

فرمود :

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ ، أَحَدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ ، الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا

يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ شِيعَتِهِ ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا

إِلَّا خَاصَّةُ مَوَالِيهِ ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است ، یکی کوتاه دیگری طولانی ، در

غیبت نخستین جز خواص شیعیان از جایگاه او مطلع نمی شوند و

در غیبت دومی فقط خواص خدمتگزاران از جایگاهش مطلع

می شوند. (۱)

مرحوم کلینی در زمان غیبت صغری می زیست و پیش از فرارسیدن غیبت کبری دیده از جهان فرو بسته است .

وی در کتاب شریف کافی که معتبرترین کتاب حدیثی شیعه شناخته شده ، فصلی را به مسأله غیبت اختصاص داده ، آن را « بَابُ فِي الْغَيْبِ » نام نهاده ، در این باب سه حدیث روایت کرده که در آنها تعبیر : « دو غیبت » آمده است . (۲)

در شماری از آیات قرآن از غیبت آن حضرت گفتگو شده و در احادیث معصومین علیهم السلام به آن تصریح شده است ، از جمله :

داود بن کثیر رقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در تفسیر آیه ی :

« يَوْمِنُونَ بِالْغَيْبِ » ؛

به غیبت ایمان می آورند ، (۳) فرمود :

مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ حَقٌّ ؛

کسی که به قیام قائم علیه السلام باور کند که آن حق است . (۴)

و در حدیث دیگری فرمود :

منظور از مَتَّقِينَ در « هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ » شیعیان علی علیه السلام است

و منظور از « الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ » حُجَّتْ غَائِبِ عَلَيْهِ السَّلَامِ

ص: ۸۱

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۴۰ .

۲- [۲] . همان ، ص ۳۳۹ _ ۳۴۰ ، ح ۱۲ ، ۱۹ و ۲۰ .

٣- [٣]. سورہ بقرہ ٢ ، آیہ ٢ .

٤- [٤]. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ١ ، ص ١٧ .

است .

سپس فرمود :

و گواه آن سخن خداوند متعال است که فرمود :

« فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ »

بگو: غیب از آن خداست ، پس منتظر باشید که من _ پیامبر _

نیز همراه شما از چشم به راهانم .(۱)

که منظور از غیب : « حَجَّتْ غَائِبٌ » است .(۲)

با توجه به خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و عدم نسخ شرایع و محدود

بودن اوصیای پیامبر در دوازده امام نور و به شهادت رسیدن یازده تن از

آنها ، بر خدای سبحان بود که دوازدهمین امام نور را برای این امت باقی

بدارد ، زیرا اگر یک لحظه زمین خالی از حجت باشد ، زمین اهل خود را

در کام خود فرو می برد ، چنانکه در احادیث فراوان به آن تصریح شده و

اینک چند نمونه :

۱ . امام باقر علیه السلام فرمود :

اگر یک روز امامی از ما در روی زمین نباشد ، زمین اهل خود

را در کام خود فرو می برد .(۳)

۲ . امام صادق علیه السلام فرمود :

ص: ۸۲

۱- [۱] . سوره یونس ، ۱۰ ، آیه ۲۰ .

۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ص ۱۷ .

اگر یک ساعت زمین از حجت خدا خالی باشد، اهل خود را

در کام خود فرو می برد. (۱)

۳. امام رضا علیه السلام فرمود:

اگر به مقدار یک چشم به هم زدن، زمین از حجت خدا خالی

باشد، اهل خود را در کام خود فرو می برد. (۲)

روی این بیان چاره ای نیست جز اینکه خداوند حجت خود را در پشت

پرده ی غیبت نگه بدارد، تا روزی که همگان احساس اضطرار کرده، به

آستان الهی روی آورده، ظهور حجت خدا را مسئلت نمایند.

* * *

ص: ۸۳

۱- [۱]. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱.

۲- [۲]. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۱۹۹؛ همو، عیون الاخبار، ص ۲۱۲.

درست سی سال پیش دانشمند فرهیخته‌ی از سور بن فرانسه در

تلویزیون پاریس ظاهر شد و گفت :

ای اهل عالم من یافتم !

او فیلسوف برجسته‌ی غرب شادروان « پرفسور هانری گُربِن » بود ، که

بعدها به آغوش اسلام آمد و در سال ۱۳۵۷ ش . با اعتقاد به اسلام و تشیع از

دنیا رفت .

او در حدود سه سال پیش از ارتحال خود که سخت به آیین مسیحیت

پابرجا بود در شب نیمه‌ی شعبان در سیمای پاریس ظاهر شده ، کشف

جدید خود را اینگونه شرح داد :

سالها بود که مشکل بزرگی مرا رنج می داد و من از حل آن ناتوان بودم و اینک این راز بزرگ گشوده شده ، من نفس راحتی می کشم و کشف این راز را به عنوان ارمغانی بزرگ به جهانیان اعلام می دارم :

من براساس یافته های علمی خود به این نتیجه رسیده بودم که خداوند فیاض علی الاطلاق است و هر لحظه فیض او به سوی جهان هستی سرازیر است .

برای رسیدن فیوضات بیکران حق تعالی واسطه ی فیضی لازم است .

آنگاه در ادیان بزرگ جهان این موضوع را بررسی کردم ، دیدم از نظر یهود بعد از حضرت موسی علیه السلام پیامبری مبعوث نشده ، در نتیجه بیش از چهار هزار سال است که واسطه ی فیض در دنیا وجود ندارد و این از نظر فلسفه ای که من دریافته بودم غیرممکن بود .

مسیحیت وضع بهتری داشت ، زیرا حضرت مسیح را به پیامبری پذیرفته بود و لذا تا نزدیک دو هزار سال پیش به وجود واسطه ی فیض اعتراف داشت ، ولی پس از حضرت عیسی علیه السلام به نبوت پیامبر دیگری معتقد نبود .

چون به مطالعه در آیین اسلام پرداختم ، دیدم اسلام از جهتی بهتر از دو آیین پیشین و از جهتی بدتر از آنهاست .

از نظر اینکه مسلمانان پیامبر اسلام را به پیامبری می پذیرند تا شش

قرن بعد از حضرت عیسی علیه السلام واسطه ی فیض را معترف هستند ، ولی از

نظر اینکه پیامبر اسلام را خاتم پیامبران می دانند ، برای همیشه واسطه ی

ص: ۸۵

فیض را منتفی می دانند .

از این رهگذر من در بحران عجیبی فرو رفته بودم ، این ناسازگاری

ادیان با یافته های علم ، مرا کاملاً گیج کرده بود .

من یقین داشتم که نباید بین دانش و دین تضاد باشد ، زیرا دین عبارت از

تشریح خداوند و دانش عبارت از کشف ودیعه های خداوند در جهان

تکوین و طبیعت می باشد .

از یافته های علمی خود نمی توانستم دست بردارم ، زیرا به یافته های

خود باور داشتم ، از دین نیز نمی توانستم چشم پیوشم ، زیرا یقین داشتم که

خداوند بشر را یله و رها نکرده ، تکالیفی از او خواسته و این تکالیف را

توسط حجت های خود به آنان ابلاغ نموده است .

پرفسور هانری گُربِن آنگاه اضافه کرد :

امسال تابستان که طبق سنوات قبلی برای بهره وری از محضر فیلسوف

بزرگ شرق استاد علامه ی طباطبایی به ایران سفر کرده بودم ، مشکل خود

را با ایشان در میان نهادم .

ایشان فرمودند : آنچه از پژوهش و تحقیق در فلسفه دریافته اید که باید

همواره یک نفر به عنوان واسطه ی فیض در روی زمین باشد ، مطلب

درستی است ، ولی لازم نیست که نام این واسطه « پیامبر » باشد ، بلکه

می تواند « امام » باشد .

آنچه مسلم است این است که باید همواره یک نفر انسان معصوم روی

زمین باشد ، که حجت خدا باشد و واسطه ی فیض بین خدا و مردم باشد .

این موضوع در آیین اسلام با حساسیت و شفافیت خاصی بیان شده و

ص: ۸۶

جزو اعتقادات قطعی مسلمانان می باشد :

۱. امام باقر علیه السلام می فرماید :

از روزی که خداوند حضرت آدم را قبض روح کرد ، حتی یک

لحظه زمین را خالی از امامی که حجت خدا بر مردم و

راهنمای مردم به سوی خدا باشد نگذاشت و هرگز زمین

بدون امامی که حجت خدا باشد نخواهد بود .(۱)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود :

اگر در روی زمین دو نفر باشد ، یکی از آنها حجت بر دیگری

خواهد بود .(۲)

۳. و در حدیث دیگری فرمود :

اگر فقط دو نفر در روی زمین باقی باشد ، یکی از آنها امام

خواهد بود .

سپس فرمود :

دومین کسی که از آنها وفات می کند امام می باشد ، تا کسی

نتواند برای خداوند احتجاج نماید .(۳)

۴. و در حدیثی دیگر با بیان جامع تری فرمود :

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ ؛

ص: ۸۷

۱- [۱]. کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۷۹ .

۲- [۲]. نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۴۰ .

حجت خدا پیش از خلق ، همراه با خلق و بعد از خلق می باشد .(۱)

۵ . امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه فرمود :

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّجِكَ عَلَى خَلْقِكَ ؛

بارالها ، تو هرگز روی زمین را از حجت خود بر مخلوقات خود

خالی نمی گذاری .(۲)

آنگاه شادروان هانری گربین خطاب به جهانیان اعلام کرد :

هان ای مردم من یافتیم :

تنها دین صحیح دین مقدس اسلام و تنها مذهب صحیح مذهب

حقه ی تشیع می باشد .

خوشبختانه ایشان بعداً به آیین مقدس اسلام و مذهب حقه ی تشیع

مشرف شد و با اعتقاد صحیح از جهان دیده برتافت .(۳)

بهره وری ما از امام غائب

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پیرامون غیبت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه سخن

ص: ۸۸

۱- [۱] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۲۱ .

۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۷۸ .

۳- [۳] . پرفسور هانری کربن در حدود ۲۵ سال همه ساله به ایران سفر می کرد و از محضر مرحوم علامه طباطبائی خوشه چینی می کرد و بهره های علمی خود را در اروپا منتشر می کرد ، از ایشان بیش از ۲۰۰ جلد کتاب و مقاله به یادگار مانده و ده ها دانشجو تربیت کرده ، صدای تشیع را در فضای غرب به طنین انداخته ، سرانجام در سال ۱۳۵۶ ش رسماً به آیین اسلام و مذهب تشیع اعتراف کرده و در ۱۵ / ۷ / ۱۳۵۷ ش ۴ ذیقعه الحرام ۱۳۹۸ ه . در ۷۴ سالگی در پاریس درگذشت .

می گفت ، جابر بن عبدالله انصاری پرسید :

آیا شیعیان در عصر غیبت از فیوضات قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بهره مند

می شوند؟ پیامبر اکرم فرمود :

ای وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ ، إِنَّهُمْ لَيَسْتَضِيُونَ بِنُورِهِ وَيَنْتَفِعُونَ

بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ ، كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ ؛

آری ، سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت ، مردم از وی

نفع می برند و از نور ولایتش کسب نور می کنند ، همانگونه که از

خورشید بهره مند می شوند هنگامی که ابرها آن را بپوشانند .(۱)

جالب توجه و شایان دقت است که چون از امام سجاد علیه السلام آن را سؤال

کردند ، همان پاسخ را داد(۲) ، چون از امام صادق علیه السلام پرسیدند ، همان

پاسخ را فرمود ،(۳) و هنگامی که از حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

پرسیدند ، در توفیق شریف خود همان پاسخ را مرقوم فرمود .(۴)

غواص بحار علوم آل محمد علیهم السلام ، علامه ی مجلسی قدس سرهدر

دائرة المعارف ارزشمند خود پس از نقل حدیث ، هشت وجه تشبیه برای

تشبیه خورشید امامت در عصر غیبت به خورشید نهان در پشت ابر بیان

فرموده که بسیار ارزشمند است(۵) وجه دیگری به فکر قاصر این ناتوان

رسیده که مشروح آن را در کتاب « او خواهد آمد » آورده است ، خلاصه ی

ص: ۸۹

۱- [۱]. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۵۳ .

۲- [۲]. دکتر احمد محمود صبحی ، نظریه الامامه ، ص ۴۱۳ .

٣- [٣] . شيخ صدوق ، الأملی ، ص ١٥٧ .

٤- [٤] . شيخ طوسی ، الغیبه ، ص ١٧٧ .

٥- [٥] . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ٥٢ ، ص ٩٣ _ ٩٤ .

آن را به صورت فشرده در اینجا تقدیم می‌دارد: (۱)

براساس هیئت جدید که پایه‌های آن توسط کپلر، کپرنیک، نیوتن و گالیله پی‌ریزی شده، خورشید در وسط منظومه، زمین و دیگر کرات منظومه در گرداگرد آن در حال حرکت می‌باشند.

فی‌المثل کره‌ی خاکی ما با ۵۹۵۵ میلیارد تن وزن میلیاردها سال است که با سرعت سرسام‌آوری (۱۰۶۲۰۰ کیلومتر در ساعت) به دور هسته‌ی مرکزی خود (خورشید) می‌چرخد.

در اثر این حرکت سریع، نیروی گریز از مرکز بسیار نیرومندی آن را از مرکز خود دور می‌کند.

در مقابل، خورشید با جاذبه‌ی نیرومند خود، آن را به سوی خود جذب می‌کند.

البته زمین نیز خورشید را به سوی خود جذب می‌کند، ولی نظر به

اینکه جاذبه‌ی یک جسم با وزن آن تناسب مستقیم دارد، جاذبه‌ی زمین

نمی‌تواند در خورشید اثر بگذارد. خورشید که سه میلیون و ۳۳۰ هزار

مرتبه از زمین سنگین‌تر است، به همان مقدار جاذبه‌ی آن نیز قوی‌تر

است.

آن مقدار نیرویی که در اثر جاذبه‌ی خورشید بر کره‌ی خاکی ما وارد

می‌شود، دقیقاً معادل است با همان نیروی دافعه‌ای که زمین در اثر حرکت

دورانی خود آن را به دست می‌آورد.

تعادل این دو نیرو، زمین را در مدار معین خود به گردش درآورده و

۱- [۱]. نگارنده ، او خواهد آمد ، چاپ دوازدهم ، ص ۱۶۹ _ ۱۸۷ .

بقای آن را تضمین می کند .

اگر جاذبه ی خورشید کمی بیشتر بود ، زمین در یک لحظه به سوی خورشید کشیده می شد ، به مجرد برخورد با سطح خورشید متلاشی شده ، با همه ی ساکنانش رهسپار دیار نیستی می شد .

و اگر نیروی گریزاز مرکز زمین کمی بیشتر بود ، با شکستن جاذبه ی خورشید در فضای بیکران پخش و متلاشی می شد و هستی خود را از دست می داد .

پس آنچه نظام حاکم بر منظومه ی شمسی را تضمین کرده و بقای کرات منظومه و گردش آنها را بر گرد خورشید فراهم ساخته ، تعادل این دو نیرو است ، که با حکمت بالغه ی خداوند حکیم تنظیم شده است .

اگر لحظاتی خورشید جهان افروز در پشت ابرهای گران قرار بگیرد ، نور ، حرارت ، خواص پرورشی ، میکرب کشی و دیگر فواید آن کم رنگ تر شود ، یک فایده ی مهم آن ثابت و استوار است و آن راز بقای کرات منظومه است ، که بود و نبود ابر هیچ تأثیری در آن ندارد .

ممکن است بشر با پیشرفت علم و کشف انرژی های جدید روزی از نور خورشید ، حرارت خورشید و دیگر فایده های آن بی نیاز شود ، ولی هرگز نمی تواند از جاذبه ی آن بی نیاز شود و چیز دیگری را جایگزین جاذبه ی خورشید نماید .

آنچه در مورد کره ی خاکی گفتیم ، دقیقاً در مورد سایر کرات منظومه ، از عطارد ، زهره _ زمین _ مریخ ، مشتری ، اورانوس ، نپتون ، پلوتون و ...

۱- [۱]. همین مطلب از اتم کوچکترین مجموعه ی جهان تا کهکشان (بزرگترین مجموعه ی جهان هستی) جاری و ساری می باشد. ر. ک : نگارنده ، همان .

از بررسی مطلب فوق راز تشبیه خورشید امامت در عصر غیبت به

خورشید پنهان در پشت ابر روشن می شود .

پس اگر مدتی این خورشید فروزان جهان خلقت در پشت دیوار غیبت

قرار بگیرد ، توفیق دیدار دو سویه از شیعیان و ارادتمندان گرفته شود و

دیگر بهره وری ها از آن کانون نور و هدایت کم رنگ شود ، یک نقش مهم

آن امام نور به قوت و وسعت خود باقی است و هرگز در عصر غیبت

کم رنگ نمی شود و آن راز بقای جهان هستی است ، که براساس روایات

فراوان :

لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَهُ عَيْنٍ مِنْ حُجَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ؛

اگر به مقدار یک چشم به هم زدن حجت خدا در روی زمین نباشد ،

زمین اهل خود را در کام خود فرو می برد .(۱)

یکی دیگر از فواید امام که در عصر غیبت بدون کم و کاست به انسانها

می رسد رهبری باطنی اعمال مردم است . علامه ی طباطبایی در این رابطه

می فرماید :

امام چنان که وظیفه ی راهنمایی ظاهری را برعهده دارد ،

ولایت و رهبری باطنی اعمال را نیز برعهده دارد و حیات

معنوی مردم را تنظیم می کند و حقایق اعمال را به سوی خدا

سوق می دهد .(۲)

ص: ۹۲

۲- [۲]. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ همو، شیعه در اسلام، ص ۱۵۲.

امام علیه السلام رشته ی اتصال زمین و آسمان است ، چنانکه در زیارت

سرداب مقدس عرضه می داریم :

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ؛

دروود بر تو ، ای وسیله ی اتصال زمین و آسمان .(۱)

آنچه از سوی پروردگار به بندگان عنایت می شود توسط امام است و

آنچه از اعمال صالح بندگان به سوی خدا صاعد می شود به وسیله ی امام

می باشد ، چنانکه در یکی از زیارت‌های امام حسین علیه السلام می خوانیم :

إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ يُمُورِكُمْ ؛

اراده ی پروردگار در تقدیر امور بر شما فرود می آید و از خانه های

شما شرف صدور می یابد .(۲)

روی این بیان وجود اقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه رمز بقای نظام

هستی است ، واسطه ی فیض حضرت احدیت است ، رشته ی اتصال زمین و

آسمان است ، کانون دریافت فیوضات ربانی و نشر آن در میان مخلوقات

است و قرار گرفتن آن حضرت در پشت پرده ی غیبت مانع این عنایت ها

نمی باشد .

روزنه ای به سوی خورشید

اشاره

ص: ۹۳

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، مصباح الزائر ، ص ۴۲۱ .

۲- [۲] . ابن قولویه ، کامل الزیارات ، ص ۲۰۰ .

هنگامی که ابرهای تیره و تاریک ما و خورشید جهان افروز حایل می شود ، آیا مجبور هستیم که منتظر برطرف شدن ابرها باشیم یا راه دیگری در پیش روی ما هست ؟

ظاهراً پاسخ مثبت است ، زیرا می توانیم سوار هواپیما شده ، جاذبه ی زمین را بشکافیم ، از لابه لای ابرهای ضخیم بگذریم ، بر فراز ابرها به پرواز درآمده در برابر تابش مستقیم انوار درخشان خورشید قرار گیریم .

آیا در زمان غیبت که حجت خدا در پشت پرده ی غیبت قرار گرفته است ، به ناچار باید دندان روی جگر نهاده ، روزگار تلخ هجران را تجربه کنیم ، و یا روزه ای به سوی خورشید وجود دارد ؟

ظاهراً اینجا نیز پاسخ مثبت است و راه هایی برای کنار زدن پرده ی غیبت وجود دارد و اینک اشاره ای کوتاه به این راه ها :

۱ . دعا برای فرج

تأکید فراوان شده که برای فرج دعا کنیم و تصریح شده که اگر امت اسلامی آن را انجام دهد موجب تعجیل در امر فرج خواهد شد و اگر انجام ندهد تا پایان تعیین شده به درازا خواهد کشید .

امام صادق علیه السلام می فرماید :

قرار بود بنی اسرائیل ۴۰۰ سال گرفتار باشند ، هنگامی که

گرفتاری بر آنها سخت آمد چهل روز به درگاه خدا گریه و

زاری کردند ، خداوند به موسی و هارون فرمان داد که آنها را

از دست فرعون نجات دهند . در نتیجه ۱۷۰ سال از دوران

گرفتاری آنها کاسته شد .

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود :

وَهَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ مَعَنَا ، فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا ، فَإِنَّ الْأَمْرَ
يُنْتَهَى إِلَى مُنْتَهَاهُ ؛

اگر شما نیز چنین کنید ، خداوند فرج ما را نزدیک می کند ، و اگر

انجام ندهید ، این امر تا به منتهای خود طول می کشد . (۱)

این حدیث شریف صریح است در این که غیبت حضرت بقیه الله

ضرورت ندارد که تا روز تعیین شده در علم الهی به درازا بکشد ، بلکه اگر

امت احساس اضطراب کنند و همگی به آستان حضرت احدیت خضوع ،

تضرع و ابتغال نمایند ، خداوند از بقیه ی دوران غیبت صرف نظر

می فرماید و فرج آن حضرت را جلو می اندازند .

از اینجاست که در احادیث فراوان امر شده برای دعا به تعجیل فرج :

وجود اقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در توقیع شریف می فرماید :

وَ اكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ ؛

برای تعجیل در امر فرج فراوان دعا کنید که فرج شما نیز در آن

است . (۲)

جالب تر این که امام حسن عسکری علیه السلام دعا برای فرج را تنها راه رهایی

از هلاکت دانسته می فرماید :

ص: ۹۵

وَاللّٰهُ لَيَغَيَّبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الْهَلَكَةِ اِلَّا مَنْ تَبَتَّهٗ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ

عَلَى الْقَوْلِ بِامَامَتِهِ ، وَوَقَّهٗ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ ؛

به خدا سوگند او آنچنان غایب می شود که در آن ایام غیبت از هلاکت رهایی نمی یابد به جز کسی که خداوند او را در اعتقاد به امامت او ثابت قدم نگه دارد ، و او را موفق بدارد که برای تعجیل در فرج او دعا نماید .(۱)

اگر دعا برای فرج تأثیر نداشت اینهمه تأکید نمی شد که شیعیان و چشم به راهان برای تعجیل در امر فرج آن حضرت دعا کنند و آنهمه فضیلت و پاداش برای دعا در مورد فرج آن حضرت بیان نمی کردند .(۲)

۲. ترک گناه

مهم ترین عامل محرومیت امت از حضور حجت خدا در میان آنها ، ارتکاب معاصی می باشد و لذا هنگامی که علی بن مهزیار به پیشگاه جان جانان ، مهر تابان ، کعبه ی مشتاقان و قبله ی عاشقان بار می یابد ، جوانی که از سوی حضرت مأمور بود او را به محضر مولا برساند ، از او پرسید : چه می خواهی ؟! وی گفت :

اَلْاِمَامَ الْمَحْجُوْبِ عَنِ الْعَالَمِ ؛

آن امام پوشیده شده از جهانیان را .

ص: ۹۶

۱- [۱] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۸۴ .

۲- [۲] . صاحب مکیال ۹۰ فایده برای دعا به فرج آن حضرت بیان کرده است . ر . ک : موسوی اصفهانی ، مکیال المکارم ، ج ۱ ، ص ۳۷۷ _ ۶۰۸ .

آن جوان گفت :

مَا هُوَ مَخْجُوبٌ عَنْكُمْ وَلَكِنْ حَجَبَهُ سُوءُ أَعْمَالِكُمْ ؛

او از شما پوشیده نشده ، این اعمال زشت شما هست که او را از

شما پوشانیده است . (۱)

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در توفیق خود به شیخ مفید می نویسد :

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ ، عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي

الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا ، وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ

السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا .

فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤَثِّرُهُ عَنْهُمْ ؛

اگر شیعیان ما _ که خداوند آنها را به اطاعت خود موفق بدارد _ اگر

در وفا به عهدی که برگردن آنها بود ، یکدل و یکصدا بودند ، هرگز

یمن دیدار ما از آنها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما با شناخت

حقیقی جلو می افتاد .

ما را از آنها حبس نمی کند ، جز آنچه از اعمال ناپسند آنها به ما

می رسد ، که ما چنین اعمالی را از آنها انتظار نداشتیم . (۲)

در صدور این توفیق از ناحیه ی مقدسه هیچ تردیدی نیست ، شخصیت

برجسته ای چون « شیخ اسدالله تستری » (۳) در این رابطه ادعای اجماع نقل

ص: ۹۷

۱- [۱] . محدث نوری ، جنة المأوی ، ص ۱۴۸ .

۲- [۲] . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۴۹۹ .

۳- [۳]. شیخ اسدالله تستری، متوفای ۱۲۳۴ ه. شاگرد برجسته ی وحید بهبهانی، سید مهدی بحر العلوم، شیخ جعفر کاشف الغطاء، میرزا مهدی شهرستانی و سید علی طباطبائی صاحب ریاض می باشد، که بعد از کاشف الغطاء به مرجعیت تقلید رسیده و با تحقیقات ارزشمندش در تاریخ شیعه شهرت یافته است [شیخ آغا بزرگ تهرانی، الکرام البرره، ج ۱، ص ۱۲۲].

کرده است. (۱)

این توفیق شریف صریح است در این که تنها عامل ادامه ی غیبت و محرومیت امت از دیدار آن امام محبوب گناهان می باشد .

۳. آراسته شدن به زیور تقوا

هنگامی که احمد بن اسحاق وکیل امام حسن عسکری علیه السلام به محضر آن حضرت شرفیاب شده ، در مورد امام و حجت بعد از آن حضرت پرس وجو نمود ، امام عسکری علیه السلام به سرعت وارد اندرون شده ، حجت خدا را که همانند ماه چهارده شبه می درخشید و در حدود سه ساله بود ، بر دوش خود نهاده وارد اطاق گردید ، خطاب به احمد بن اسحاق فرمود :

يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ لَوْلَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلَى حُجَّجِهِ ،
مَا عَرَّضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا ؛

ای احمد بن اسحاق اگر نبود که تو در نزد خدا و نزد اولیای خدا

گرامی هستی ، فرزندم را به تو ارایه نمی دادم. (۲)

اینجا امام عسکری علیه السلام تصریح فرموده که تنها عامل سعادت‌مندی احمد بن اسحاق برای تشرف به دیدار جمال یوسف زهرا این است که او در نزد خدا و در نزد حجج الهی گرامی می باشد .

ص: ۹۸

۱- [۱]. شیخ اسدالله تستری ، مقابس الأنوار ، ص ۵ .

۲- [۲]. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۸۴ .

قرآن کریم رمز گرامی بودن در نزد خدا را به روشنی بیان کرده

می فرماید :

« إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ » ؛

بی گمان گرامی ترین شما در نزد خداوند پارساترین شماست .(۱)

با ضمیمه کردن این آیه ی شریفه به بیان امام حسن عسکری علیه السلام به این

نتیجه می رسیم که تنها رمز توفیق دیدار تقوا ، خویشتن داری و پارسایی

است .

و به صریح گفتار حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تنها مانع راه نیز گناه

می باشد .

نتیجه :

اگر امت اسلامی احساس اضطرار کنند ، به در خانه ی خدا بروند یکدل

و یکنوا برای تعجیل در امر فرج دعا کنند ، خداوند موانع ظهور را برطرف

کرده ، به حجت خود فرمان ظهور صادر می کند و به وسیله ی او از جهان

هستی رفع اضطرار می نماید .

اگر همگان چنین اضطراری احساس نکردند ، باز هم راه برای مشتاقان

و چشم به راهان بسته نیست ، آنها می توانند با ترک گناه و آراسته شدن با

زیور تقوا ، روزنه ای به سوی خورشید باز کنند و به دیدار نیم رخی از

جمال دل آرای یوسف زهرا نایل آیند .

ص: ۹۹

این بخش را با بیان لطیف و زیبایی از شیخ الطائفه حُسن ختام

می بخشیم :

ما هرگز یقین نداریم که آن حضرت از همه ی دوستانش

پوشیده است ، بلکه ممکن است برای بیشتر آنها ظاهر شود .

اما کسی که امام علیه السلام بر او ظاهر نشود ، متوجه می شود که

لابد در او قصور و یا تقصیری است که امام بر او ظاهر

نمی شود .(۱)

* * *

ص: ۱۰۰

۱- [۱]. شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۹۹ .

چشم به راهان طلوع خورشید

ای پرچم نجات در آغوش ، ای چشمه سار عاطفه را نوش ، ای غایب
ناگشته فراموش .

ای همه غمها را تو پایان ، ای همه دردها را تو درمان ، ای همه
نابسامانیها را تو سامان .

ای هر کجا فساد ، تو هادم ؛ ای هر کجا نظام ، تو ناظم ؛ ای هر کجا قیام ،
تو قائم .

پهنه ی گیتی خشکید ، گل بوته ها همه پژمردند ، جز لاله خونرنگ
دلباختگان ، ای چشمه ی جوشان حیات .

شب تیره غیبت به درازا کشید ، دریای سیاه زندگی طوفانی شد ،

ص: ۱۰۱

پهنشدت انسانیت به کویر تفتان مبدل گشت و من در این شب تار
وحشت زا، لحظه های ترا شماره می کنم، ای زداینده ی غم و موعود امم .
این نه تنها منم که در این غار دهشت زا، انتظار ترا ستاره می کنم، بلکه
همه ی پیامبران الهی، در انتظار ظهور واپسین، حجت خدا ثانیه شماری
نموده، در آتش هجر او سوخته، در فراق جانکاهش اشکها ریخته اند .
در تاریخ وصل و هجران و در دفتر عشق و حرمان، محبتی چنین دیرپا
و محبوبی چنان گریز پا، چشمی ندیده و گوشى نشنیده است، که اینک
بیش از یکهزار و یکصد و هفتاد سال است که این جذبه و ناز و این راز و
نیاز ادامه دارد .

سرودها و درودهای حضرت « داود » علیه السلام بر گهای زرین عهد عتیق را
به خود اختصاص داده، که در هر فصلی از زبور، از ظهور موفور السرور
آن محبوب قرون و دهور، پایان بخش شب دیجور و مطلع صبح امید و
سرور، سخن ها گفته و نغمه ها نواخته است .

شادی آسمانیان، مسرت خاکیان، غرش دریاها، به وجد آمدن
صحراها، ترنم درختان جنگل ها، آبادانی جهان، آسایش انسان و آرامش
همگان، در جای جای این کتاب آسمانی به نمایش گذاشته شده است. (۱)

هر پیامبری از پیامبران پیشین روزهای طلایی و خواستنی پیشوای
موعود را برای امت خود ترسیم نموده، نوید بهروزی و گسترش عدل
مهدوی را بازگو کرده اند .

این « اشعیا نبی » است که گسترش عدل و برچیده شدن ستم را به دست

۱- [۱]. عهد عتیق ، مزامیر ، مزمور ۳۷ ، بندهای ۱۸ _ ۹ ؛ مزمور ۹۶ ، بندهای ۱۳ _ ۱۰ .

آن یگانه ی دوران خبر داده ، از رجعت مردگان سخن گفته و منتظران

ظهور را ستوده است .(۱)

این حضرت « دانیال » است که از حوادث آخر زمان به تفصیل سخن

گفته ، در پایان فرموده :

« خوشا به حال آنان که انتظار کشند » .(۲)

این حضرت « حیقوق » است که نوید ظهور داده ، از طول غیبتش سخن

گفته ، به امتش فرموده :

« اگرچه تأخیر نماید برایش منتظر باش ، که البته خواهد

آمد » .(۳)

این حضرت « عیسی » علیه السلام است که در بیش از ۵۰ مورد از منجی عالم

سخن گفته ،(۴) به انتظار سازنده فرمان داده ، از غفلت و بی توجهی برحذر

داشته است .(۵)

این رسول گرامی اسلام ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم است ، که پس از

مشاهده ی نور درخشان حجت قائم علیه السلام چون ستارهای فروزان در شب

معراج(۶) به خیل منتظران پیوسته ، منطق وحی از این سوز و گداز پرده

ص: ۱۰۳

۱- [۱] . همان ، اشعیا نبی ، فصل ۶۵ ، بندهای ۱۳ _ ۹ ؛ ۲۰ _ ۱۸ .

۲- [۲] . همان ، دانیال نبی ، فصل ۱۲ ، بندهای ۵ _ ۱ ؛ ۱۳ _ ۱۰ .

۳- [۳] . همان ، حیقوق نبی ، فصل ۲ ، بندهای ۵ _ ۳ .

۴- [۴] . در اناجیل چهار گانه و ملحقات آنها ۸۰ بار واژه « پسر انسان » تکرار شده ، که تنها ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام تطبیق می کند و ۵۰ مورد دیگر از منجی دیگری در آخرالزمان خبر می دهد . مستر هاکس آمریکایی ، قاموس کتاب مقدس ، ص ۲۱۹ .

۵- [۵]. عهد جدید ، انجیل لوقا ، فصل ۱۲ ، بندهای ۳۵ و ۳۶ .

۶- [۶]. شیخ صدوق ، عیون الاخبار ، ج ۱ ، ص ۴۷ .

برداشته (۱) با یک دنیا شور و اشتیاق می فرماید :

طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ ، وَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ ، وَطُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ ؛

خوشا به حال کسی که او را دیدار نماید ، خوشا به حال کسی که او

را دوست بدارد ، خوشا به حال کسی که به امامت او معتقد

باشد. (۲)

این امیر بیان ، پیشوای پروا پیشگان است که بر فراز منبر کوفه با یک

دنیا شوق و شغف از آن میر هدایت سخن گفته ، می فرماید : « برترین قله

شرف ، دریای بیکران فضیلت ، شیر بیشه شجاعت ، ویرانگر کاخ های

ستم ، جهادگر همیشه پیروز ، قهرمان دشمن شکن و ... و در پایان آهی از

اعماق دل برکشیده ، دست روی سینه نهاده می فرماید :

هَاه ، شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِ ؛

آه ، چقدر مشتاق دیدار اویم. (۳)

چون از یاران مهربان آن محبوب دلها سخن می گوید ، می فرماید :

وَيَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَيْتِهِمْ فِي حَالِ حُضُورِ دَوْلَتِهِمْ ؛

آه ، چقدر مشتاقم که آنها را به هنگام ظهور دولتشان دیدار

نمایم. (۴)

ص: ۱۰۴

۱- [۱]. سوره یونس ۱۰ ، آیه ۲۰ .

۲- [۲]. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۶۸ ؛ همو ، عیون الاخبار ، ج ۱ ، ص ۵۲ ؛ صافی ، منتخب الاثر ، ج ۱ ، ص ۲۲۵ ؛ حموی ، فرائد السمطين ، ج ۲ ، ص ۱۵۹ .

۳- [۳]. علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۱۵ .

این سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام است که حکومت شکوهمند آن

حضرت را تشریح نموده ، در پایان می فرماید :

فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَسَمِعَ كَلَامَهُ ؛

خوشا به حال آنان که روزگار همایونش را درک نموده به فرمانش

گوش جان بسپارند .(۱)

این سالار شهیدان است که در شب عاشورا به تفصیل از قیام جهانی آن

مصلح آسمانی سخن می گوید .(۲)

این سید ساجدان است که در مجلس یزید در آن خطبه تاریخی خود از

مهدی موعود _ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ _ یاد کرده ، با یاد و نامش مباحثات

می کند .(۳)

این باقر علوم اولین و آخرین است که خطاب به « ام هانی » می فرماید :

فَإِنْ أَدْرَكَتِ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ ؛

اگر آن روزگار میمون را درک کنی ، دیدگانت روشن گردد .(۴)

این صادق آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است که در شأن آن امام همام می فرماید :

وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي ؛

اگر من زمان او را درک می کردم ، همه ی عمر دامن خدمت به کمر

ص: ۱۰۵

۱- [۱] . کامل سلیمان ، یوم الخلاص ، ص ۳۷۴ .

۲- [۲] . شیخ حرّ ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۶۹ .

۳- [۳] . محدّث قمی ، نفس المهموم ، ص ۴۱۱ .

۴- [۴] . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۲۷۶ .

می بستم. (۱)

این عالم اهلیت امام کاظم علیه السلام است که به هنگام تشریح آن ایام

مسعود به برادر ارجمندش «علی بن جعفر» می فرماید :

پسر جان ! عقلهای شما از درک آن ناتوان و استعدادهای شما

از دریافت آن عاجز است ، اگر زنده بمانید آن را

درمی یابید. (۲)

این امام ثامن و ضامن است که چون نام نامی «قائم آل محمد» را

می شنود ، برمی خیزد ، دست بر سر می گذارد و برای تعجیل فرج آن

بزرگوار دعا می کند. (۳)

این جوادالائمه علیه السلام است که از قیام شکوهمند آن حضرت و

برنامه های اصلاحی اش در مدینه منوره سخن گفته ، با یاد آن ، دلش را

تسکین می بخشد. (۴)

این امام هادی علیه السلام است که در زندان سامرا به یاد یوسف زهرا اشک

می ریزد و از اختصاص روزهای جمعه به آن حضرت سخن می گوید. (۵)

این امام حسن عسکری علیه السلام است که فرزند دلبندهش را چون قرص قمر

در شب بدر ، به شیفتگان و دلدادگان نشان داده ، خطاب به «احمد بن

اسحاق» فرمود :

ص: ۱۰۶

۱- [۱]. نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۴۵ .

۲- [۲]. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۶۰ .

- ٣- [٣]. تسترى ، قاموس الرجال ، ج ٤ ، ص ٢٩٠ .
- ٤- [٤]. طبرسى ، اعلام الورى ، ج ٢ ، ص ٢٤٣ .
- ٥- [٥]. شيخ صدوق ، كمال الدين ، ج ٢ ، ص ٣٨٣ .

اگر نبود که تو در نزد خدا و اولیای خدا منزلت خاصی داری ، فرزندم را

به تو ارایه نمی دادم. (۱)

و این جان جانان ، کعبه خوبان ، حجت یزدان ، حضرت صاحب

العصر والزمان _ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ _ است که از طول غیبت در سوز و

گداز است و به شیعیان شیفته و منتظران دلسوخته اش می فرماید :

وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ ؛

برای تعجیل در امر فرج فراوان دعا کنید که فرج شما در

آنست. (۲)

این سوز و گداز را از طولانی شدن دوران غیبت ، همه ی معصومان

داشتند ، که به تعدادی از آنها فقط اشاره می کنیم :

پیشوای پروا پیشگان بیش از دو قرن پیش از ولادت حضرت

مهدی _ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ _ در قنوت نمازشان می فرمودند :

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَعَيَّبَهُ اِمَامِنَا ، فَفَرِّجْ ذٰلِكَ اللّٰهُمَّ

بِعَدْلِ تَظْهِرُهُ وَاِمَامِ حَقِّ نَعْرِفُهُ ؛

بار خدایا ما به تو شکایت می کنیم رحلت پیامبرمان و غیبت

اماممان را ، خدایا گشایشی فراهم نما ، با عدالتی که ظاهر سازی و

پیشوای حقی که شناخت داریم. (۳)

ص: ۱۰۷

۱- [۱]. طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۴۸ .

۲- [۲]. طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۴۷۱ .

۳- [۳]. محدث نوری ، مستدرک وسایل ، ج ۴ ، ص ۴۰۴ .

شهید اول نقل فرموده که امام صادق علیه السلام به شیعیان فرموده بود این

قنوت امیرمؤمنان علیه السلام را در قنوتهای خود بعد از کلمات فرج بخوانند. (۱)

امام باقر علیه السلام نیز همین مضمون را به زراره تعلیم فرموده بود که در

روزهای جمعه در قنوت نمازش بخواند. (۲)

امام هشتم نیز دعایی به این مضمون به شیعیان خود آموزش داده بود که

روزهای جمعه در قنوت نماز ظهر بخوانند. (۳)

امام جواد، (۴) امام هادی (۵) و امام عسکری علیهم السلام (۶) هر کدام در

قنوت نماز خود برای تعجیل در امر فرج، سپری شدن شب دیجور غیبت و

گسترش عدل در گستره ی زمین، به دست آن امام موعود، دعا می کردند.

پیشوای ساجدان و زینت عابدان در صحرای عرفات در دعای مشهور

روز عرفه عرضه می دارد:

وَأَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا ... أَلَلَّ هُمْ أَمْلَاءُ الْأَرْضِ بِهِمْ عَدْلًا وَقِسْطًا ...

وَأَجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشَيْعَتِهِ ... وَأَرْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ ؛

خدایا امر امام ما را اصلاح فرما ... خدایا زمین را به وسیله ی او پر از

عدل و داد نما ... خدایا مرا از دوستان و شیعیان برگزیده اش قرار

بده ... و شهادت در محضر او را به من روزی بفرما. (۷)

ص: ۱۰۸

۱- [۱]. شهید اول، ذکری، ص ۱۸۴.

۲- [۲]. شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۳۶۶.

۳- [۳]. سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۴۱۳.

۴- [۴]. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۲۶.

- ٥- [٥] . سيد ابن طاووس ، مهج الدعوات ، ص ٦٢ .
- ٦- [٦] . همان ، ص ٦٤ .
- ٧- [٧] . شيخ طوسي ، مصباح المتعجد ، ص ٦٩٨ .

اینها نمی از یم ، مستی از خروار و اندکی از بسیار مواردی است که
پیشوایان معصوم ، به هنگام نیایش ، در قنوت ها و یا تعقیبات نمازها ، از
یوسف گمگشته سخن گفته ، از دوران غیبتش شکوه ها نموده ، در فراقش
ندبه ها سر داده ، برای پیشانی شیعیان در عصر غیبت ، سیلاب اشک بر
چهره های خود روان ساخته اند .

* * *

ص: ۱۰۹

راز و رمز اینهمه سوز و گداز

معشوق و محبوبی که در دلها نفوذ می کند ، معمولاً یک یا چند ویژگی دارد که در دل عاشقان و شیفتگانش ، در پرتو آن نقاط کمال و قوت تأثیر می گذارد و آنها را به سوی خود می کشد .

کمال جویی در نهاد بشر به صورت فطری جای دارد ، هر انسانی در هر عصر و زمانی و در هر شرایطی به سوی کمال جذب می شود و عشق می ورزد .

محبوب ما همه ی کمالات بشری را به خود اختصاص داده ، مجمع همه ی کمالات عالم است ، او تنها مصداق حقیقی « آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری » می باشد .

اگر قهرمانان در پرتو نیروی جسمانی خدادادی خود هزاران طرفدار و علاقمند دارند ، در زیر آسمان هیچ انسانی به قدرت جسمانی او یافت نمی شود ، امام رضا علیه السلام در این رابطه می فرماید :

از نظر نیروی جسمانی آنقدر قوی و نیرومند است که اگر

دست مبارکش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز

کند ، آن را از ریشه و بن برآورد ، و اگر در میان کوه ها بانگ

بزند ، صخره هایش فرو ریزد . (۱)

اگر یوسف کنعان به جهت جمال بی نظیرش ، زیباترین تابلوهای عهد

کهن را به خود اختصاص داده ، یوسف زهرا در میان دلبران بهشتی عنوان

« طاووس اهل الجنة » را از آن خود ساخته است . (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در شأن او فرموده :

وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِيِّ ؛

چهره اش چون ستاره ی سحر می باشد . (۳)

اگر پدران و مادران با مهر و محبت و شفقت خود گوی سبقت را از

همگان ربوده اند ، امام هشتم می فرماید :

وَأَشْفَقُ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ ؛

مهدی موعود بر امت خود از پدران و مادرانشان مهربان تر

ص: ۱۱۱

۱- [۱] . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۲۲ .

۲- [۲] . دیلمی ، الفردوس بمأثور الخطاب ، ج ۴ ، ص ۲۲۲ .

می باشد. (۱)

اگر پدر و مادر همواره نگران سلامتی اولاد و دلسوز و مراقب فرزندان

هست ، این پدر بی نظیر امت در توفیق خود به شیخ مفید می فرماید :

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدُكْرِكُمْ ؛

ما هرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از

خاطر نمی بریم. (۲)

اگر پدران و مادران تلاش می کنند که فرزندان خود را در برابر حوادثی

که سلامتی آنها را تهدید می کند حفظ کنند ، آن پدر بی همتای خلقت

همواره بلاگردان امت بوده ، چنانکه خود می فرماید :

بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَشِيعَتِي ؛

خداوند به وسیله من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می کند. (۳)

نه تنها شیعیان ، نه فقط آدمیان ، بلکه زمین و آسمان ، گردش خورشید

و ماه ، بقای نظام هستی ، همه و همه به طفیل آن یگانه ی دورانها ، محبوب

دلها و موعود ملت ها می باشد ، چنانکه در احادیث فراوان به صراحت

آمده :

« اگر يك لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد ، زمین

ساکنان خود را در کام خود فرو می برد ». (۴)

ص: ۱۱۲

۱- [۱]. کامل سلیمان ، روزگار رهایی ، ج ۱ ، ص ۱۲۹ .

۲- [۲]. طبرسی ، احتجاج طبرسی ، ج ۲ ، ص ۴۹۷ .

٣- [٣]. شيخ طوسى ، الغيبه ، ص ٢٤٦ .

٤- [٤]. شيخ صدوق ، علل الشرايع ، ص ١٩٨ ؛ نعمانى ، الغيبه ، ص ١٤١ ؛ كلينى ، الكافى ، ج ١ ، ص ١٧٩ ؛ شيخ صدوق ،
عيون الاخبار ، ص ٢١٢ ؛ شيخ طوسى ، الغيبه ، ص ١٣٢ .

نقش امام زمان در جهان هستی ، همان نقش خورشید در منظومه ی شمسی می باشد ، به طوری که بقای منظومه به طفیل خورشید ، و به تعادل و دافعه بین خورشید و کرات منظومه بستگی دارد و اگر یک لحظه جاذبه ی خورشید قطع شود ، کرات منظومه در فضای لایتناهی پرت و پخش می شوند ، اگر یک لحظه خورشید جهان افروز آفرینش در روی زمین نباشد ، نشانی از زمین و زمان باقی نمی ماند ، و لذا در احادیث فراوان وجود امام در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است . (۱) و این تشبیه بسیار لطیف و پرمعنایی است که نگارنده در برخی از آثار خود آن را بیان کرده است . (۲)

او با این همه ویژگی یکی از امامان نور است که امام هشتم در شأن آنها فرموده :

امام ماه تابان ، مشعل فروزان ، نور درخشان ، ستاره هدایتگر
در شبهای دیجور در اقطار و اکناف دریاها و خشکی هاست ...
امام یگانه ی روزگار ، بی نظیر دوران ، که هرگز کس به گرد
راهش نرسد ، هیچ دانشمندی با او برابری نکند ، هیچ چیزی
نظیر ، مثل و جایگزین او نشود ، می باشد . (۳)

ص: ۱۱۳

-
- ۱- [۱] . شیخ صدوق ، الأمالی ، ص ۱۵۷ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ص ۳۷۵ ؛ خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۱۵۳ ؛ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۵۳ ؛ حموی ، فرائد السمطین ، ج ۱ ، ص ۴۶ ؛ قندوزی ، ینایع الموده ، ج ۳ ، ص ۲۳۸ .
- ۲- [۲] . نگارنده ، او خواهد آمد ، چاپ یازدهم ، ص ۱۵۷ - ۱۴۱ .
- ۳- [۳] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۲۰ - ۲۱۸ .

دیگر ویژگیهایش را امیر بیان مولای متقیان چنین می ستاید :

او قله ی شرف عرب ، اقیانوس بیکران کرامت بشر ، عزیز اهل خود ، و برگزیده ی تبار خویش می باشد ، که اگر رگبار مرگ فرو ریزد نمی هراسد ، اگر پیروانش در محاصره افتد احساس زبونی نمی کند ، از پیکار با سلحشوران عقب گرد نمی کند ، سلحشور همیشه پیروز و شیر ژبانی است که دشمن را از ریشه و بن برمی کند ، شمشیر برنده ای از شمشیرهای خداوندی است ، دست بخشنده خدا در زمین است ، بلندترین قله های جهان در برابر بزرگواری اش پست نماید ، کوههای بلند و بالا در برابر جود و کرمش سست نماید ، دژی محکم و پناهگاهی مستحکم است ، دانش او از همه گسترده تر و کرامتش از همه افراشته تر است ... (۱)

* * *

بنیانگذار جهانی آباد و آزاد

او گذشته از این همه فضایل و مناقب ، دست نیرومند خداوند منان است که روزی از آستین غیبت بیرون آمده ، کاخهای ستمگران را بر سرشان فرو ریزد ، تیرگیهای جهل ، ظلم ، ستم ، فقر ، تبعیض ، تحقیر ، نابسامانی ها و ناهنجاری ها را بزدايد ، جهانی آباد و آزاد براساس عدل و

ص: ۱۱۴

داد در سر تا سر گیتی بنیاد نهد ، حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی ، با محوریت « عدل » و « قسط » تأسیس نموده ، آرزوی همه ی پیامبران و مصلحان را برآورده ، حاکمیت الله را تحقق بخشیده ، اراده ی تعالی را از جعل خلیفه بر روی زمین عینیت می بخشد .

در ۱۴۸ حدیث از پیشوایان معصوم این مضمون آمده است که :

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا ؛

جهان را پر از عدل و داد کند ، آن چنانکه پر از ظلم و ستم شده

است . (۱)

به چند نمونه از این احادیث اشاره می کنیم :

(۱) ابوسعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت می کند که فرمود :

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ يَغْسُو بِهَا ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا

وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا ؛

امتش به سوی او پناه می برند ، چنانکه زنبوران عسل به ملکه خود

پناهنده می شوند ، زمین را پر از عدل و داد کند ، آنگونه که پر از

جور و ستم شده ، خفته ای را بیدار نکند و خونی را نریزد . (۲)

(۲) اصبغ بن نباته در ضمن حدیثی از مولای متقیان نقل می کند که

فرمود :

ص: ۱۱۵

۱- [۱]. فهرست این احادیث را در کتاب گرانسنگ « منتخب الاثر » ج ۲ ، ص ۲۳۵ _ ۲۲۲ ملاحظه فرمایید .

۲- [۲]. نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۲ ، ح ۹۸۵ .

الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي ، هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا
وُظْلَمًا ، تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَغَيْبَةٌ ، يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا
آخِرُونَ ؛

او یازدهمین فرزند منست ، او همان مهدی است که جهان را پر از
عدل کند ، آنگونه که پر از جور و ستم شده است . برای او دوران
حیرت و غیبتی خواهد بود ، که گروه هایی در آن گم گشته و
گروه های دیگری در آن هدایت خواهند یافت .(۱)

۳) پیامبر رحمت در لحظات واپسین خود ، برای تسلی خاطر حضرت
فاطمه علیها السلام به تفصیل از حضرت مهدی _ عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالَى فرجه الشریف _ سخن
گفته ، از گشودن قلعه های ضلالت و دلهای بسته گفتگو نموده ، از احیای
دین و پر کردن زمین با عدل و داد خبر داده ، در پایان فرمود :

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكِ ؛

دخترم این مهدی از تبار تست .(۲)

۴) از سالار شهیدان پرسیدند : آیا شما صاحب این امر هستید ؟
فرمود : نه ، صاحب الامری که جهان را پر از عدل و داد کند ، آن گونه که پر
از جور و ستم شده باشد ، در دوران فترت امامان می آید ، چنانکه پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در دوران فترت پیامبران مبعوث گردید .(۳)

ص: ۱۱۶

۱- [۱]. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۸۸ .

۲- [۲]. طبری ، ذخائر العقبی ، ص ۱۳۶ .

۵) امام باقر علیه السلام از سالار شهیدان نقل می کند که در تفسیر آیه ی شریفه ی : « وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّيْهَا » (۱) فرمود : او قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلماست ، که زمین را پر از عدل و داد نماید . (۲)

۶) امام ششم در ضمن حدیثی می فرمود :

او پایان بخش امامان ، قائم به حق ، بقیه الله در زمین ، صاحب زمان ، خلیفه ی رحمان است ، که اگر به مقدار درنگ حضرت نوح در میان امتش در غیبت باقی بماند ، از دنیا بیرون نرود جز اینکه ظاهر شده ، جهان را پر از عدل و داد نماید ، چنانکه پر از جور و ستم شده باشد . (۳)

۷) امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود :

سپاس خدایی را که مرا از دنیا بیرون نبرد ، تا امام بعد از خود را دیدم ، او شبیه ترین مردمان است به رسول خدا ، در خلقت و سیرت ، خداوند او را در عالم غیبت نگه می دارد ، سپس ظاهر می سازد ، تا جهان را پر از عدل و داد کند ، چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد . (۴)

* * *

گستره ی عدل مهدوی (عج)

عدالت ریشه در فطرت انسان دارد ، هر انسانی به طور فطری تشنه ی عدالت است ، این تشنگی و شیفتگی از اعماق وجود او نشأت می گیرد .

ص: ۱۱۷

۱- [۱] . سوره شمس ۹۱ ، آیه ی ۳ .

۲- [۲] . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج ۲ ، ص ۵۶۳ .

٣- [٣]. علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ٥١ ، ص ١٤٥ .

٤- [٤]. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ٢ ، ص ٤٠٩ .

عدالت قانونی است فراگیر ، که همه ابعاد زندگی اجتماعی را در بر

می گیرد و نظام هستی بر محور آن می چرخد .

اگر در جامعه ای حق هر صاحب حقی به او برسد ، عدالت اجتماعی در

میان آنها رعایت شده است .

عدالت اجتماعی مفهوم بسیار گسترده ای دارد که شامل ابعاد روحی ،

جسمی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، قضایی و جز آنها می شود .

همانگونه که فرشتگان به هنگام خلقت انسان بر روی زمین پیش بینی

کردند و گفتند : « أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ »؛ (۱) آیا بر

روی زمین کسانی را قرار می دهی که در آن فساد می کنند و خون می ریزند ؟

از همان آغاز فساد حاکم شد ، جور و ستم آغاز گردید ، پسر آدم :

« قَابِيلُ » برادرش « هَابِيلُ » را به قتل رسانید و تاکنون این فساد و تباهی

سرتاسر گیتی را فراگرفته است . و اگر در نوار خاصی از مکان و محدوده

خاصی از زمان (چون عهد رسالت و ایام خلافت مولای متقیان) عدالت

حاکم بوده ، از نظر زمان و مکان آنقدر محدود بود ، که در برابر جور و

ستم حاکم بر کره ی خاکی در طول قرون و اعصار بسیار ناچیز می باشد .

از این رهگذر به جرأت می توان گفت ، هدف نهایی از بعثت پیامبران ،

هنوز جامه ی عمل نپوشیده است .

قرآن کریم هدف از ارسال رسل و انزال کتب را « لِيُقِيمَ النَّاسُ

بِالْقِسْطِ » (۲) بیان فرموده .

- ۱- [۱]. سوره بقره ۲ ، آیه ۳۰ .
- ۲- [۲]. سوره حدید ۵۷ ، آیه ی ۲۵ .

بر این اساس هدف از بعثت پیامبران هنگامی تحقق می یابد که شالوده ی

زندگی مردمان براساس « عدل » و « قسط » استوار شود .

این معنی جز در حکومت عدل حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ، اتفاق

نیفتاده و اتفاق نخواهد افتاد .

شاخصه های عدل مهدوی (عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فِرْجَهُ)

شاخصه هایی که در کلمات پیشوایان معصوم پیرامون حکومت عدل

حضرت مهدی _ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فِرْجَهُ الشَّرِيفِ _ بیان شده ، بسیار فراوان است ،

به شماری از آنها فقط اشاره می کنیم :

(۱) امام حسن مجتبی علیه السلام در ضمن یک حدیث بسیار طولانی

می فرماید :

تَضَطَّلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ ؛

در سلطنت و دوران فرمان روایی او درندگان با یکدیگر آشتی

می کنند . (۱)

علاوه بر روایات فراوان که این معنی را بیان کرده اند ، در بسیاری از

کتب آسمانی نیز بر آن تصریح شده که تنها به یک مورد از آنها اشاره

می کنیم :

مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد ، به جهت مظلومان

زمین به راستی حکم خواهد کرد . گرگ با بره سکونت

ص: ۱۱۹

خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر
و پرواری با هم ، و طفل کوچک آنها را خواهد راند ... در
تمام کوه مقدس من ضرر و فسادى نخواهند کرد ، زیرا که
جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد .(۱)

(۲) در کلمات قدسى آمده است :

در آن زمان امنیت و آسایش را در روی زمین حکمفرما می کنم ، چیزی
به چیزی صدمه نمی زند ، چیزی از چیزی نمی ترسد ، حشرات و حیوانات
به مردمان و یکدیگر آسیب نمی رسانند .(۲)

(۳) امام هشتم در فرازی از یک حدیث بسیار زیبا می فرماید :

وَوُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ ، فَلَا يَظْلَمُ أَحَدٌ أَحَدًا ؛(۳)

(۴) رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در ضمن یک حدیث بسیار طولانی می فرماید :
هنگامی که حضرت آدم علیه السلام نور مقدس منجی بشریت را مشاهده
کرد ، خطاب شد :

« با این بنده سعادت مند خود ، بندها و زنجیرها را از بندگانم

می گشایم و زمین را پر از مهر و محبت ، رأفت و رحمت

می نمایم ، آنگونه که پیش از او پر از جور و شقاوت و

سنگدلی شده بود » .(۴)

ص: ۱۲۰

۱- [۱] . عهد عتیق ، کتاب اشعیا نبی ، فصل ۱۱ ، بندهای ۱۰ _ ۱ .

۲- [۲] . ابن طاووس ، سعد السعود ، ص ۳۴ .

٣- [٣]. شيخ صدوق ، كمال الدين ، ج ٢ ، ص ٣٧٢ .

٤- [٤]. علامه مجلسي ، بحار الانوار ، ج ٢٦ ، ص ٣١٢ .

۵) رسول اکرم، نبی مکرم صلی الله علیه و آله وسلم در یک بیان کوتاه امنیت و آرامش را

اینگونه ترسیم می کند :

زنی بر هودجی نشسته ، از حجاز تا عراق در کمال آسایش طی

طریق می کند و از چیزی نمی هراسد .(۱)

۶) شاگرد برجسته مکتب ولایت ، ابن عباس می گوید :

لَا يُنْطَحُ فِيهِ عَنَزَانِ جَمَاءٍ وَذَاتُ قَوْنٍ ؛

در عهد او دو بز شاخ دار و بی شاخ به یکدیگر شاخ نمی زنند .(۲)

۷) امام باقر علیه السلام این واقعت را در یک بیان جالب و جامع چنین

ترسیم می کند :

حَتَّى لَا يُرَى آثَرُ مِنَ الظُّلْمِ ؛

تا جایی که دیگر نشانی از ظلم دیده نشود .(۳)

۸) امام صادق علیه السلام گستره ی عدل مهدوی را در یک جمله چنین

خلاصه می کند :

أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ ، كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ ؛

به خدا سوگند عدالت او در داخل خانه هایشان به آنها می رسد ،

همانگونه که سرما و گرما به داخل خانه هایشان نفوذ می کند .(۴)

ص: ۱۲۱

۱- [۱] . متقی هندی ، کنز العمال ، ج ۱۴ ، ص ۵۷۲ .

۲- [۲] . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۶ ، ح ۱۰۵۴ .

۳- [۳] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۸۸ .

۴- [۴] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۹۷ .

۹) پیشوای پروا پیشگان می فرماید :

آنگاه حضرت مهدی علیه السلام فرماندهانش را به همه ی شهرها

می فرستد و فرمان می دهد که عدالت را در میان مردم برقرار

کنند ، گرگ و گوسفند در کنار یکدیگر می چرخد ، کودکان با

مارها و عقرب ها بازی می کنند و آسیبی به آنها نمی رسد. (۱)

۱۰) منطق وحی در این رابطه می فرماید :

« اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا » ؛

بدانید که خداوند زمین را زنده می کند پس از مرگ آن. (۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید :

أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ ، بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أُمَّه

الضَّلَالِ ؛

خداوند آن را با عدل حضرت قائم علیه السلام زنده می کند به هنگام

ظهورش ، پس از آنکه با جور و ستم زمامداران گمراه مرده

باشد. (۳)

ابن عباس نیز در همین رابطه گوید :

خداوند زمین را پس از مردن آن به وسیله ی ستم کشورداران ، به

وسیله ی قائم آل محمد _ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ _ زنده می کند. (۴)

ص: ۱۲۲

۱- [۱]. سلمی ، عقد الدرر ، ص ۱۵۹ .

۲- [۲]. سوره حدید ۵۷ ، آیه ۱۷ .

٣- [٣]. نعماني، الغيبة، ص ٢٤؛ شيخ حرّ، اثبات الهداه، ج ٣، ص ٥٣١.

٤- [٤]. شيخ طوسي، الغيبة، ص ١٠٩.

اینها نمی از یم و اندکی از بسیار روایات وارد شده از امامان نور

پیرامون گستره ی عدل تنها بازمانده از حجج الهی و تنها ذخیره ی پروردگار

برای گسترش عدل و داد بر فراز پهنشدت جهان بود. (۱)

گامی استوار با برنامه هایی پایدار

دانش آموزی که سه سال در یک کلاس بماند او را از مدرسه اخراج

می کنند که این دانش آموز بازی گوش است ، نباید یکی از صندلی های کلاس

را اشغال کند و فضای آموزشی کشور را محدود سازد .

آیا تاکنون فکر کرده ایم که مراسم اعیاد و وفیات ما آیا هر سال نسبت به

سال های گذشته پیش رفته ، درجا زده یا عقب کرد نموده است ؟

امام صادق علیه السلام برای ما معیار بسیار حساسی قرار داده می فرماید :

هر کس دو روزش یکسان باشد او مغبون است ، و هر کس

فردایش بدتر از امروزش باشد او فریب خورده است. (۲)

چه کنیم که هر روز گامی جلوتر نهاده ، محافل و مجالس ما بهتر از

سالهای قبل باشد ؟

طبیعی است باید در برابر افراد کارشناس و درد آشنا زانو زده ، شیوه ی

برگزاری مراسم مذهبی را بر آنان عرضه کنیم ، کمبودها را جبران کرده ،

ص: ۱۲۳

۱- [۱]. فهرست ۱۴۸ حدیث در این رابطه در کتاب ارزشمند « منتخب الاثر » ج ۲ ، ص ۲۳۵ _ ۲۲۲ آمده است .

۲- [۲]. علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۷۸ ، ص ۲۷۷ .

لغزش ها را اصلاح کرده ، نعوذبالله به جای عرض ادب به پیشگاه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ، قلب شریفش را آزرده نکنیم .

من همواره برای جوانانی که از یکماه قبل از دهه ی مهدویه شب و روز با یک اخلاص بی نظیر در حسینیه ها ، مهدیه ها ، مساجد و دیگر اماکن با چراغانی ، تزیینات ، نصب پلاکارد و دیگر خدمات شایسته تلاش می کنند ، به حالشان غبطه می خورم ، ولی در مواردی مصادف می شوم که در ایام فرخنده ی مهدویه با پخش برنامه های کم ارزش و در مواردی ضد ارزش ، استفاده ی بهینه از این تلاشها نمی کنند .

ما که در طول سال به یاد آن عزیز سفر کرده هستیم و باید هم باشیم ، زیرا او همواره به یاد ما هست و خود در توفیق شریفش به شیخ مفید می نویسد :

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ ؛

ما هرگز شما را رها نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم .(۱)

پس ما نیز هرگز نباید از پدر مهربان غافل باشیم .

ولی چه کنیم که بر لبان نازک تر از گل آن یوسف زهرا تبسمی نقش ببندد ؟ .

براساس اعتقاد قطعی ما هر دوشنبه و پنجشنبه اعمال ما بر آن پدر

بزرگوار عرضه می شود ، هنگامی که اعمال خوبی در نامه ی اعمال ما ببند

خوشحال می شود و چون کارنامه ی ما را سیاه ببیند ، شرمسار می گردد .

١- [١]. طبرسى، الاحتجاج، ج ٢، ص ٤٩٧.

چکنیم که دل شریف امام خود را نیازاریم؟

هر عمل خیری که از ما سر می زند او خوشحال می شود ، چکنیم که او را

خوشحال تر نماییم؟

عمل خیری داریم و عمل صالح ، هر کاری که در مسیر اطاعت خدا و

اولیای خدا باشد ، خدمت به جامعه باشد ، دستگیری از بندگان خدا باشد ،

آن عمل خیر است .

همه ی اعمال صالح عمل خیر است ، ولی هر عمل خیری عمل صالح

نمی باشد .

اگر به یک فرد مستمند کمک کنیم و نیازهای او را برطرف سازیم ، این

عمل خیر است ، ولی اگر برای او شغل مناسبی پیدا کنیم و او را برای همیشه

آسوده خاطر کنیم ، این عمل صالح است .

اگر هزینه ی معالجه ی بیماری را پرداخت کنیم و او را به دکتر برسانیم ،

عمل خیر است ، اگر بیمارستانی تأسیس کنیم و منطقه ای را برای همیشه از

مشکلات درمانی آسوده کنیم عمل صالح است .

اگر مراسم پرشوری برپا کنیم و مداحان با اخلاص ، عاشقان حضرت

بقیه الله را سرشار از عشق و شور نمایند عمل خیر است ، ولی اگر کلاسهای

مهدوی در دهه ی مهدویه دایر کنیم ، از اساتید کاردان دعوت کنیم و فضای

آموزشی شایسته ای در نظر بگیریم ، با برنامه های جالب و جاذب جوانان

را در این عرصه وارد کنیم ، فرهنگ مهدویت را توسعه دهیم و جوانان را

با پیشوای مهربانشان بیشتر آشنا کنیم ، این عمل صالح است .

آیا قرآن کریم صاحبان عمل خیر را وارثان زمین معرفی کرده ، یا

ص: ۱۲۵

صاحبان عمل صالح را؟

نه تنها قرآن، بلکه تورات و زبور نیز « صالحان » را وارث زمین اعلام

فرموده است. (۱)

به یاد چند تن از صالحان

در تبریز ما دانشمند درد آشنایی بود به نام حاج میرزا محمد صابری که

انتشارات صابری در تبریز و انتشارات وفا در تهران از ایشان بود.

او خطیبی برجسته، دانشمندی شایسته بود، خدمات فرهنگی فراوان

در سطح کشور، ترکیه و آذربایجان شوروی داشت.

در حدود چهل سال قبل در تبریز اعلام کرد که هر کس آب لوله کشی

ندارد، اگر در خانواده اش نام مهدی باشد، رونوشت شناسنامه اش را

بیاورد، ما برای او هزینه ی لوله کشی آب شهری تقدیم می کنیم.

۲۵۰ نفر پیدا شد که آب لوله کشی نداشت و در میان اعضای خانواده اش

نام نامی و یاد گرامی حضرت مهدی علیه السلام وجود داشت، توسط آن عالم

فرزانه هزینه ی آب لوله کشی ۲۵۰ خانوار در دهه ی مهدویه فراهم شد.

در شهر ما بازرگان نامداری بود به نام حاج جواد برق لامع، صاحب

کارخانه ی حوله برق لامع، او مردی متدین و متعهد بود، خدمات فراوانی

داشت که در نوع خود بی نظیر، مثلاً مسجدی در مرکز مسکو ساخته بود.

در ۶۰ کیلومتری تبریز روستایی بود به نام « سیسان » که مرکز فرقه ی

ضاله بود، این مرد درد آشنا در آنجا مسجدی ساخت به نام مسجد صاحب

۱- [۱]. سوره انبیا، آیه ی ۱۰۵؛ کتاب مقدس، عهد عتیق، مزامیر داود، مزمور ۳۷، فرازهای ۹_ ۱۸.

الزمان ، این مسجد به قدری عالی بود که در خور شهری چون تهران و مشهد بود ، ولی این عاشق حضرت در آن نقطه ی کور این مسجد را بنیاد نهاد ، همه ساله در دهه ی مهدویه آنجا مجلس جشن و سرور برپا می کرد ، همه ی علمای بزرگ منطقه را دعوت می کرد ، مجلس بسیار باشکوهی برگزار می شد ، از شخصیت‌های وزین علمی برای ایراد سخنرانی دعوت می کرد و در ادامه ی آن جلسات هفتگی در طول سال دایر می کرد ، شخصاً حضور می یافت ، جوانان پخته ، فرهیخته ، آشنا با معارف مهدوی و آگاه از نیرنگ‌های دشمن آن کلاسها را اداره می کردند .

سرانجام بسیاری از فریب خورده ها به راه آمدند و به آغوش اسلام و اعتقاد به امام عصر بازگشتند و شمار اندکی که چنین سعادتی نداشتند از منطقه مهاجرت کردند .

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد .

و اینک این کمترین چند سالی است که توفیق شرکت در کلاسهای آموزش معارف مهدوی در دهه ی مهدویه در شهر اصفهان نصیبم گردیده است .

این کلاسها از شب یازدهم تا شب بیستم شعبان المعظم که « دهه مهدویه » نام یافته ، دایر می شود .

این کلاسها که به ابتکار « مرکز تخصصی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه » برگزار می گردد ، از حدود یکماه قبل ثبت نام را آغاز می کند ، این کلاسها در انحصار حوزویان و دانشجویان می باشد ، با کارت ورودی

حضور می یابند ، مطالب ارایه شده را یادداشت می کنند ، در آخرین جلسه

ص: ۱۲۷

امتحان کتبی از آنها به عمل می آید به صاحبان رتبه ی بالا جوایز ارزنده ای از سکه و کتاب و لوح اهدا می شود ، پایان نامه ها نگارش یافته ، بررسی می شود و جوایز ارزنده ای طی مراسم باشکوهی اهدا می گردد .

برای طبقات دیگر مجلس باشکوهی در ساختمان « قائمیه » برپا می شود ، ده شب این مجلس برگزار می باشد ، هر شب یک تن از خطبای برجسته از سرتاسر میهن اسلامی در این محفل برای توسعه و تعمیق فرهنگ مهدوی ایراد سخنرانی می کنند .

قائمیه ی اصفهان دقیقاً ۵۰ سال پیش به ابتکار مرحوم آیه الله شمس آبادی در مرکز اصفهان تأسیس شده ، توسط هیئت امنای پر جوش و خروش در طول نیم قرن به بهترین وجهی اداره شده ، دعای پربار ندبه در هر پگاه جمعه ، مراسم پر شور دعای کمیل در شبهای جمعه ، برنامه های متنوع سازنده در هر مناسبتی ، قله ی اوج آنها در « دهه ی مهدویه » به شهر مذهبی و تاریخی اصفهان جلوه ی خاصی می دهد .

چرا دهه ی مهدویه ؟

خداوند منان در قرآن کریم گزارش می دهد که ما حضرت موسی علیه السلام را با آیات و نشانه های خود برانگیختیم و به او فرمان دادیم که :

« أَنْ أَخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَّرَهُمْ

بِآيَاتِ اللَّهِ » ؛

قوم خود را از تاریکی ها به سوی نور بیرون بیاور و « ایام الله » را به

یاد آنها بیاور . (۱)

۱- [۱]. سوره ی ابراهیم ۱۴ ، آیه ۵.

همه ی « ایام الله » به دهه ی مهدویه بازگشت می کند ، زیرا در احادیث

فراوان در تفسیر آیه ی شریفه آمده است :

أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ : يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرْهِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ ؛

روزهای خداوند عزوجل سه روز است :

۱ . روز قیام قائم علیه السلام

۲ . روز پرشکوه رجعت

۳ . روز رستاخیز (۱).

روز قیام و روز رجعت ارتباط مستقیم با حضرت بقیه الله دارد و

رستاخیز نیز از این جهت به آن حضرت گره می خورد که خروج حضرت

مهدی یکی از « أَسْرَاطُ السَّاعَةِ » می باشد (۲).

ما باید در تمام روزهای سال به یاد آن بزرگوار باشیم به ویژه ماه

مبارک شعبان که میلاد مسعود آن کعبه ی موعود در نیمه ی آن قرار گرفته

است ، به ویژه دهه ی میانی آن (یازدهم تا بیستم شعبان) که « دهه ی

مهدویه » نام گرفته است .

امروزه کسی از نقش اعداد بی خبر نیست ، ولی در ایامی که بشر به نقش

و اهمیت اعداد پی نبرده بود ، قرآن کریم بر آنها پای فشرده ، قرآن پژوهان

را بر نقش آنها رهنمون شده است (۳).

ص: ۱۲۹

۱- [۱] . شیخ صدوق ، الخصال ، ص ۱۰۸ ؛ همو ، معانی الأخبار ، ص ۳۶۶ .

۲- [۲] . برزنجی ، الإشاعة لأشراط الساعة ، ص ۱۳۹ .

۳- [۳]. طنطاوی، تفسیر الجواهر، ج ۲۵، ص ۱۵۴ - ۱۶۴.

در این میان « دهه » نقش پررنگ تری دارد و اینک به چند آیه در این

رابطه فقط اشاره می کنیم :

۱. « فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ

تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ » ؛

کسی که قربانی پیدا نکند ، سه روز در ایام حج روزه بگیرد و هفت

روز پس از آنکه بازگشتید ، این ده روز کامل است .(۱)

علامه ی طباطبائی در مورد دو واژه ی « تمام » و « کمال » به تفصیل سخن

گفته ، به این نتیجه رسیده که « اتمام » عبارت است از انضمام همه ی

اجزای چیزی پس از شروع در برخی از اجزای آن ، ولی « کمال » عبارت

است از حالتی که اگر چیزی به آن حالت نرسد به اثر مطلوب خود نخواهد

رسید . در آیه ی فوق سه روز در حج و هفت روز در وطن روزه گرفتن یک

عمل تام است ، ولی اگر به یکدیگر ضمیمه نشوند به جای قربانی جایگزین

نخواهند شد و به کمال مطلوب نخواهند رسید .(۲)

در ادبیات عرب نیز اعداد کمتر از ۱۰ را جمع « قَلَّة » و ۱۰ به بالا را

جمع « کَثْرَة » می نامند . و لذا ده نخستین عدد از اعداد کثیر می باشد .(۳)

راغب در این رابطه گوید : العشره هو العدد الکامل ؛ ده عدد کامل است .(۴)

سپس اضافه می کند : به ایل و تبار از آن جهت « عشیره » گویند که انسان

ص: ۱۳۰

۱- [۱] . سوره ی بقره ۲ ، آیه ۱۹۶ .

۲- [۲] . علامه طباطبائی ، المیزان ، ج ۲ ، ص ۷۷ .

۳- [۳]. جویباری ، تفسیر البصائر ، ج ۵۵ ، ص ۱۷۵ .

۴- [۴]. راغب اصفهانی ، مفردات القرآن ، ص ۳۳۵ .

با وجود قبیله ی خود به کثرت می رسد و همانند عدد کامل می شود ، و چون

« عشره » عدد کامل است به قبیله نیز « عشره » می گویند .(۱)

روی این بیان اگر « هفته ی مهدویه » بگیریم ، عملی است تام ، ولی به

کمال نرسیده ، و اگر « دهه ی مهدویه » بگیریم ، انشاءالله عمل کامل و

صالحی انجام داده ایم .

۲ . « فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ

أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ » ؛

کفاره ی یمین _ سوگند _ اطعام ده تن مستمند از میانگین طعام

خانواده ی خود ، یا پوشانیدن آنها و یا آزاد کردن یک برده .(۲)

در اینجا خداوند حکیم کفاره ی سوگند را سیر کردن و یا پوشانیدن ده

تن از مستمندان قرار داده است .

۳ . « مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا » ؛

آنکه کار نیکو آورد ده برابر پاداش برای اوست .(۳)

در این آیت جلیله خداوند پاداش نیکوکاران ده برابر اعلام فرموده

است .

۴ . « وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاتَّمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ

رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً » ؛

ص: ۱۳۱

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . سوره ی مائده ۵ ، آیه ۸۹ .

سی شب با موسی وعده گذاشتیم با ده شب دیگر آن را به اتمام

رساندیم ، پس میقات پروردگارش در چهل شب به اتمام

رسید. (۱)

خداوند منان یکماه با کلیم خود وعده می گذارد ، سپس با افزودن یک

دهه آن را به اتمام می رساند .

۵. « أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ » ؛

می گویند که این قرآن را خود بافته است ، بگو : شما نیز ده سوره

نظیر آن را بافته و پرداخته بیاورید. (۲)

قرآن کریم معاندان را به آوردن ۱۰ سوره همانند سوره های قرآن به

مبارزه طلبیده است .

۶. « يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا » ؛

آهسته به یکدیگر گویند : تنها ده روز درنگ کرده اید. (۳)

قرآن کریم خبر می دهد که مجرمان در روز رستاخیز در گوشی به

یکدیگر خواهند گفت که شما در سرای دنیا همه اش یک دهه مانده اید .

۷. « فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ » ؛

اگر ده سال را به اتمام برسانی از سوی تست. (۴)

ص: ۱۳۲

۱- [۱] . سوره ی اعراف ۷ ، آیه ۱۴۲ .

۲- [۲] . سوره ی هود ۱۱ ، آیه ۱۳ .

۳- [۳] . سوره ی طه ۲۰ ، آیه ۱۰۳ .

۴- [۴] . سوره ی قصص ۲۸ ، آیه ۲۷ .

قرآن کریم گزارش می دهد که حضرت شعیب با حضرت موسی هشت

سال مدت تعیین کرد و اتمام ده سال را به نظر او موکول کرد .

۸ . « وَ الْفَجْرِ * وَ لَيَالٍ عَشْرٍ * وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ » ؛

سوگند به فجر و شبان دهگانه و جفت و تک . (۱)

در این آیه خداوند به شبهای دهگانه سوگند یاد کرده است .

اما اینکه منظور از این ده شب کدام دهه در طول سال است ، در میان

مفسران اختلاف است ، به اقوال برخی از مفسران اشاره می کنیم :

ثعلبی پیشتاز مفسران در آن چهار احتمال نقل کرده :

۱ . دهه ی اول ذیحجه

۲ . دهه ی اول رمضان

۳ . دهه ی اول محرم

۴ . دهه ی آخر رمضان (۲)

جمعی از مفسران سه قول نخستین را نقل کرده اند . (۳)

جمعی دیگر فقط قول نخستین را برگزیده اند ، (۴) برخی قول آخر (۵) و

برخی دهه ی اول هر ماه را . (۶)

ص: ۱۳۳

۱- [۱] . سوره ی فجر ۸۹ ، آیه های ۱ _ ۳ .

۲- [۲] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱۰ ، ص ۱۹۱ .

۳- [۳] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۵ ، ص ۷۳۸ ؛ قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ج ۲۰ ، ص ۳۹ .

۴- [۴] . ابن عباس ، المقباس ، ص ۵۹۳ ؛ علی بن بابویه ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۴۱۹ ؛ سیوطی ، الدرر المنثور ، ج ۶ ، ص

۳۴۵ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۱۰ ، ص ۲۶۵ .

۵- [۵] . بیضاوی ، التفسیر ، ج ۳ ، ص ۵۲۹ .

۶- [۶]. جویباری ، البصائر ، ج ۵۵ ، ص ۲۳۸ .

اما فجر :

شکافتن عمود صبح را فجر گویند ، زیرا شب تیره سپری می شود ، روز

روشن با جلوه ی شکوهمند خود از راه می رسد ، خداوند آن را برای

بندگانش نوید بخش سپری شدن شب و فرارسیدن روز قرار داده است . (۱)

از این رهگذر برخی گفته اند منظور از فجر در این آیه ، فجر روز اول

محرم الحرام است ، که سپری شدن یکسال قمری و سرآغاز سالی نوین را

نوید می دهد . (۲)

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده :

الْفَجْرُ جَدَى ؛

فجر جد بزرگوارم رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می باشد . (۳)

از این رهگذر برخی از مفسران گفته اند :

منظور از « فجر » فجر خورشید رسالت مهدی و مطلع ولایت

علوی تا طلوع فجر قیام مهدی آل محمد علیهم السلام می باشد . (۴)

کشاف الحقایق ، امام به حق ناطق ، امام جعفر صادق علیه السلام در این رابطه

می فرماید :

« وَالْفَجْرُ » ؛ الفجر هو القائم علیه السلام ؛

ص: ۱۳۴

۱- [۱] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۵ ، ص ۷۳۴ .

۲- [۲] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱۰ ، ص ۱۹۱ ؛ قرطبی ، الجامع لأحكام القرآن ، ج ۲۰ ، ص ۳۸ .

۳- [۳] . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۳۴۲ .

۴- [۴] . جویباری ، البصائر ، ج ۵۵ ، ص ۲۳۶ .

منظور از « فجر » در این آیه قائم علیه السلام است .

« وَلَيَالٍ عَشْرٍ » ؛ الْأَتْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنَ الْحَسَنِ إِلَى الْحَسَنِ ؛

منظور از شبهای دهگانه ، امامان علیهم السلام هستند ، از امام حسن

— مجتبی — تا امام حسن — عسکری — .

« وَالشَّفْعِ » ؛ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ؛

منظور از جفت ، حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام هستند .

« وَالْوَتْرِ » ؛ هُوَ اللَّهُ وَوَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ؛

منظور از وتر ، خداوند یکتای بی انباز است .(۱)

باقر علوم آل محمد علیهم السلام در همین رابطه می فرماید :

منظور از « فجر » جدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، منظور از شبهای

دهگانه ، ده امام (از امام حسن مجتبی ، تا امام حسن

عسکری علیهما السلام) ، منظور از « شَفْعِ » امیرالمؤمنین علیه السلام و « وَتْرِ » نام

حضرت قائم علیه السلام است .(۲)

در همه ی تفسیرهایی از امامان نور در تفسیر این آیه ی شریفه رسیده ،

در یک نقطه شریک هستند و آن اینکه : منظور از شبهای دهگانه ، ده امام

از امام حسن مجتبی تا امام حسن عسکری علیهم السلام می باشند .

تعبیر شب از امامان نور به این جهت است که آنها مشعل نور بودند و

ص: ۱۳۵

۱- [۱] . شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۷۹۲ ؛ بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۱۰ ، ص ۲۶۵ ؛ مشهدی ، کنزالدقائق ، ج

٢- [٢]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ١، ص ٣٤٢.

همواره در حال نورافشانی ، جز اینکه انسان ها برای رسیدن به امیال
نفسانی از آن کانون های نور کسب نور نکردند و به کانون های ظلمت ،
چون خلفای بنی امیه ، بنی مروان و بنی عباس روی کردند ، از این رهگذر
خداوند نیز بر امت اسلامی غضب کرد و خورشید فروزان هدایت را به
پشت پرده ی غیبت برد ، تا روزی جامعه ی بشری از همه جا مأیوس و
نومید بازگشته ، به سوی امام نور روی آورند ، با تضرع و زاری از درگاه
حضرت احدیت مسألت نمایند که به ولی خود اذن ظهور عطا فرماید .
سوگند به شب از آن جهت است که شب در حال سپری شدن است و
نوید بخش فرارسیدن روز روشن و طلوع فجر و انفجار نور(۱) و شاهد این
تفسیر آیه ی بعدی است که می فرماید :

« وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ » ؛

سوگند به شب هنگامی که سپری می گردد .(۲)

اگر منظور از « فجر » سرآغاز سال قمری ، دهه ی عاشورا باشد ، روز
دهم آن روز قیام جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد .

اگر منظور از « فجر » دهه ی اول ذیحجه باشد که « ایام معلومات » و
« روزهای حرام » نیز نامیده می شود(۳) روز دهم آن روز فداکاری ،

جانبازی و ایثار ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح ، سر سلسله ی شجره ی نبوت
و نیای بزرگ کعبه ی مقصود و قبله ی موعود است .

ص: ۱۳۶

- ٢- [٢]. سورہ ی فجر ٨٩ ، آیہ ی ٤ .
- ٣- [٣]. بیرونی ، الآثار الباقیہ ، ص ٤٢٨ .

و اگر منظور از « فجر » طلوع خورشید رسالت و طلیعه ی حکومت الله باشد ، تحقق بخش هدف و آرمان آن نبی مکرم و همه ی انبیای والا مقام آن امام همام می باشد .

و اگر منظور از « فجر » شخص آقا بقیه الله باشد ، او همان انفجار نور در پایان شب دیجور غیبت می باشد ، که به دست توانمند او جهان از همه ی ظلمت ها و تاریکی ها منزّه شده ، زمین با نور پروردگارش روشن شده ، دیگر نشانی از ظلم ، تبعیض ، نفاق ، جهل و دیگر مظاهر تاریکی باقی نخواهد ماند .

بنیانگذار مجالس دهگی

پس از اشاره ای کوتاه به راز و رمز « دهه ی مهدویه » و بررسی آیات دهه در قرآن کریم ، لازم است اشاره ای به نخستین پایه گذار جلسات دهگی داشته باشیم تا معلوم شود که این همه آوازاها از کجاست ؟

مشهورترین دهه ای که در میان جامعه ی ما از بیش از هزار سال پیش رایج بوده و هست ، « دهه ی عاشورا » می باشد ، هیچ کشوری در زیر آسمان سراغ نداریم که شیعیان مقیم آن کشور از لحظه ی طلوع هلال غمبار محرم الحرام خود را آماده ی عزاداری و عرض ادب به ساحت مقدس سالار شهیدان نکنند و از شب اول محرم تا شب عاشورا در حد توان مجالس و محافلی برگزار نکنند .^(۱)

ص: ۱۳۷

پر بار « عزاداری سنتی شیعیان » تألیف سید حسین معتمدی می باشد که در هفت مجلد بزرگ منتشر شده ، تاریخچه ی عزاداری شیعیان را در جای جای جهان پهنور گرد آورده است .

آیا تاکنون فکر کرده اید که این مجالس از کی ، چگونه و به دستور چه

کسی انجام یافته است ؟

تا جایی که این کمترین با بضاعت ناچیز خود پی گیری کرده ، آغازگر

این مجالس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد .

اگر همه ی امامان در حدّ امکانات زمان برای سالار شهیدان مجالس

برگزار کرده اند ، ولی امام رضا علیه السلام پس از پذیرفتن ولایت عهدی تحمیلی ،

فضائی فراهم شد که توانستند عزاداری امام حسین علیه السلام را شور و هیجان

بدهند و لذا در زیارتنامه ی آن حضرت می خوانیم :

یا مَنْ هَيَّجَ أَحْزَانَ يَوْمِ الطُّفُوفِ ؛

ای امام بزرگواری که غمها و اندوه های روز عاشورا را هیجان

بخشیدی .(۱)

روز اول ماه محرم امام رضا علیه السلام منزل را سیاهپوش می کرد و شخصاً بر

در و دیوار پارچه ی مشکی می زد و محفل را برای اقامه ی عزاداری سالار

شهیدان مهیا می کرد .(۲)

ریّان بن شیبب روز اول محرم محضر مقدس امام رضا علیه السلام رسیده ،

امام علیه السلام فصل گسترده ای پیرامون ماه محرم ، حوادث خونین عاشورا ، از

پاداش گریه بر امام حسین علیه السلام و دیگر مطالب مربوطه سخن گفته ، در

ص: ۱۳۸

۱- [۱] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۱۰۲ ، ص ۵۵ .

۲- [۲] . ر . ک : ابوالحسنی ، سیاهپوشی در سوک ائمه ی نور .

ضمن آن جمله ی معروف را فرمود :

يَا بْنَ شَيْبٍ اِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِسَيِّءٍ فَاْبْنِكَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛

ای پسر شیبب اگر خواستی بر چیزی گریه کنی برای حسین علیه السلام

گریه کن. (۱).

روی این بیان سرآغاز مجالس دهگی مجالسی است که در دودمان

امامت و رسالت به فرمان امام رضا علیه السلام و در حضور آن حضرت برگزار

می شد .

این مجالس دهگی هر روز پرننگ تر از روز قبل و هر سال باشکوهتر

از سال قبل برگزار می شود و این مصداق بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می باشد که

فرمود :

برای شهادت فرزندم حسین حرارتی در دلهای مؤمنان هست

که هرگز به سردی نخواهد گرایید. (۲).

تنها خداوند منان می داند که چند صد هزار نفر در مجالس امام

حسین علیه السلام با حقانیت اسلام آشنا شده به آغوش اسلام آمده اند و لذا یکی از

خاورشناسان می گوید : « مجالس الحسین مدارس » ؛ مجالس امام حسین

کلاس درس می باشد .

یکی از رهیافته ها که مردی دانشمند و صاحب قلم است ، کتاب

ارزشمندی نوشته ، راز تشریف خود را به آیین تشیع در آن شرح داده و آن

ص: ۱۳۹

٢- [٢]. محدث نوری ، مستدرک الوسائل ، ج ١٠ ، ص ٣١٨ .

را: « لَقَدْ شَيَّعَنِي الْحُسَيْنُ » نام نهاده ، یعنی : مرا امام حسین شیعه کرد .(۱)

بعدها مجالس دهه ی آخر صفر ، مجالس دهه ی فاطمیه و اخیراً

مجالس « دهه ی مهدویه » بر آنها افزوده شده است ، ولی همه ی آنها از

برکات مجالس هشتمین امام نور است .

یکی دیگر از مسائلی که امام رضا علیه السلام هیجان داد ، مسأله ی انتظار و

اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام می باشد .

هنگامی که دعبل اشعار معروف خودش را پیرامون آخرین حجت در

محضر امام رضا علیه السلام انشاد کرد ، امام علیه السلام برخاست ، در مقابل نام آن

حضرت تواضع کرد ، دست مبارکش را بر سر نهاده ، برای فرج آن حضرت

دعا کرد .(۲)

دعاهایی که از امام رضا علیه السلام پیرامون حضرت بقیه الله برای عصر غیبت

رسیده ، نشانگر اهتمام آن حضرت به نشر معارف مهدوی می باشد .(۳)

چرا اصفهان ؟

یکی دیگر از اوراق زرین شهر مذهبی اصفهان در دهه ی اخیر با

برگزاری مجالس « دهه ی مهدویه » ورق خورد و ورقی دیگر بر اوراق

مفاخر اصفهان افزوده شد .

ولی جای شگفت نیست ، زیرا « سلمان » پیشتاز مسلمانان جهان از این

ص: ۱۴۰

۱- [۱] . ادریس الحسینی ، لقد شیعی الحسین ، ۴۲۳ صفحه ی وزیری ، چاپ دارالخلیج العربی ، بیروت ، ۱۴۲۶ ه .

۲- [۲] . تستری ، قاموس الرجال ، ج ۴ ، ص ۲۹۰ .

۳- [۳]. ر. ک : موسوی اصفهانی ، مکیال المکارم ، ج ۲ .

شهر برخاسته ، غوّاص بحار علوم آل محمّد عليهم السلام « علامه ی مجلسی » آب

زلال معارف اهلّیت را از این شهر به سراسر جهان اسلام روان ساخته

است ، شخصیت‌های کم نظیر تاریخ تشیع چون شیخ بهائی و میرداماد در این

شهر نورافشانی کرده اند .

پرتوی از دهه ی مهدویه

برگزاری دهه ی مهدویه باشکوه و جلوه ی خاصی در این آثار و برکات و

فواید فراوانی تاکنون در برداشت که به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم :

۱ . تشکیل کتابخانه ی تخصصی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در

اصفهان با بیش از ۲۰۰۰ مجلد کتاب و شعب آن در تعدادی از شهرستانها و

تعدادی از کشورها .

۲ . تأسیس سایت تخصصی با نشان :

به چهارده زبان

۳ . کلاسهای تخصصی معارف مهدوی در دهه ی مهدویه و در دیگر

مناسبت ها با حضور اساتید مرکز جهانی حضرت ولی عصر _ عَجَل الله تعالی

فرجه الشریف _ و اساتید حوزه چون حجه الاسلام و المسلمین استاد مردانی .

۴ . برنامه های تخصصی در سیمای مرکز اصفهان در شبهای دهه ی

مهدویه .

۵ . نمایشگاه کتب و آثار مربوط به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در

دهه مبارکه و در طول سال .

۶ . چاپ و نشر کتب مهدوی و ترویج آثار دیگر تلاشگران در حوزه ی

مهدویت .

۷. کنفرانسهای مهدوی با حضور اساتید حوزه و دانشگاه و

سخنرانیهای پربار که CD های آن توسط مرکز جهانی در مراکز علمی و

فرهنگی منتشر می شود .

از جمله اساتیدی که در این کنفرانسها در سالهای گذشته به ایراد

سخنرانی پرداخته اند عبارتند از :

۱. آیت الله حاج آقا حسن فقیه امامی دام ظلّه

۲. آیت الله حاج شیخ علی دوانی دام عزه

۳. مرحوم آیت الله رحمانی همدانی قدس سره

۴. حجه الاسلام والمسلمین ابوالحسنی (منذر)

۵. حجه الاسلام والمسلمین نظری منفرد

۶. حجه الاسلام والمسلمین رشاد

۷. حجه الاسلام والمسلمین معاونیان

۸. دانشمند محترم استاد دکتر نجدی ، از انگلستان .

۹. دانشمند محترم دکتر نهاوندیان ، از دانشگاه تهران .

۱۰. دانشمند محترم دکتر اسدی گرمارودی ، از دانشگاه تهران .

۱۱. دانشمند محترم استاد شفیعی سروسستانی ، از تهران .

۱۲. پرفسور لیگن هوزن _ مستبصر _ از امریکا .

۱۳. محقق شهیر صالح الوردانی _ مستبصر _ از مصر .

۱۴. محقق شهیر شیخ حسن شحاته _ مستبصر _ از مصر .

۱۵. محقق شهیر مهندس ارکادی _ مستبصر _ از ایتالیا .

ص: ۱۴۲

۸. مسابقات عمومی مهدوی در مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی

عصر _ عَجَل الله تعالى فرجه الشریف _ و هیئت قائمیه و سیمای مرکز اصفهان .

۹. استفاده از شعرا و مادحین درد آشنا، چون ادیب فرزانه آقای

سازگار و شاعر گرانمایه آقای ژولیده .

۱۰. اعزام مبلغ به شهرها و مراکزی که در آنها مجالس دهه ی مهدویه

برگزار می شود .

۱۱. اهدای هزاران مجلد کتاب و هزاران عدد CD و نوارهای کاست و

نشر پوستره‌های متنوع در موضوع مهدویت و انتظار .

۱۲. همکاری و راهنمایی هیئت های مذهبی در تشکیل جلسات

دهه ی مهدویت .

همایش ویژه ی روز نیمه ی شعبان

نخستین کسی که بنیانگذار پیاده روی در اسلام بود ، تا جایی که این

کمترین سراغ دارد حضرت فاطمه بنت اسد بود .

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به فرمان پیامبر فواطم را از مکه ی

معظمه به سوی مدینه ی منوره حرکت می داد ، اشترانی به تعداد آنها تهیه

کرد و فواطم را بر فراز آنها سوار کرد .

هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام اشتری را در برابر مادر بزرگوارش مهیا

کرد و از ما درخواست که سوار شود ، فرمود : فرزندم من سوار نمی شوم من

پیاده می روم .

فرمود : مادر جان ! راه بسیار طولانی و ناهموار است .

فرمود: می دانم، ولی به شهری می روم که حبیب رسول خدا در

آنجاست، و لذا دوست دارم این مسیر را با پای پیاده طی کنم.

در سیره ی امامان معصوم نیز موارد فراوانی ثبت شده که از مدینه تا

مکه ی معظمه برای انجام حج یا عمره به احترام خانه ی خدا با پای پیاده این

مسیر را طی کرده اند.

در سفر زیارتی امام حسین علیه السلام نیز به این موضوع تأکید فراوان شده،

پاداش خاصی از معصومین علیهم السلام روایت شده است.

چند سالی است که مراجع بزرگوار تقلید در روز شهادت حضرت

زهرا علیهاالسلام از بیوتات خود تا حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام _ روی

اسفالت داغ قم _ با پای پیاده و پای برهنه با احتشام خاصی حرکت

می کنند.

سال گذشته برای اولین بار همایش عظیمی روز نیمه ی شعبان در مرکز

اصفهان با حضور جمعیت انبوه عاشقان و شیفتگان حضرت بقیه الله

ارواحنا فداه برگزار گردید.

اتحاد علما، اندیشمندان، اساتید و مسئولان در این همایش چشمگیر و

دشمن شکن بود.

پرچمهای متنوع به زبانهای فارسی، عربی و انگلیسی پیرامون انتظار و

مهدی موعود بر شکوه این همایش افزوده بود.

نگارنده که در این همایش افتخار حضور داشت، هنوز آن جوش و

خروش جوانان را که از سر شور و براساس شعور بود فراموش نکرده است.

حضور انبوه توریست ها در گرداگرد این همایش موجب شد که

ص: ۱۴۴

خدامان حضرت مهدی علیه السلام با سرعت شگرفی نشریه های مربوط به

معارف مهدوی _ به زبان انگلیسی _ را از مرکز جهانی حضرت ولی

عصر _ عجل الله تعالی فرجه الشریف _ آورده ، در میان توریست ها منتشر کردند .

این همایش با شور و اشتیاق خاصی تا خیابان سید ادامه یافت و در آنجا

پس از استماع سخنرانی پذیرایی شدند .

مردم گل‌های فراوانی با وانت ها به سوی مرکز همایش منتقل کرده ،

شاخه های گل را به افراد تقدیم می کردند و مردم با حمل شاخه های گل ،

میلاذ مسعود گل نرجس را به عاشقان شیفته و مشتاقان دل‌باخته ی آن

کعبه ی مقصود و قبله ی موعود تبریک می گفتند .

اطلاع یافتیم که مردم قم نیز با تأیید مراجع بزرگوار و ارشاد خطبا و

مبلغین ارجمند ، در این شهر فقاهت و اجتهاد جلسات پرباری را به عنوان

« دهه ی مهدویه » برگزار کردند ، طلاب ، فضلا ، جوانان ، هیئتهای

مذهبی و مردم متدین و متعهد این شهر در این مجالس با شور و اشتیاق

حضور یافتند .

از کویت ، بحرین ، مسکو و چند کشور عربی و غربی گزارش برگزاری

« دهه ی مهدویه » دریافت گردید .

امسال در ده شهر انگلستان به نوبت دهه ی مهدویه برگزار خواهد شد .

در استانبول نیز دهه ی مهدویه با تب و تاب خاصی اعلام شده است .

نگارنده در نظر داشت مطالب دیگری در این رابطه به خوانندگان

گرامی تقدیم کند ولکن محدودیت زمانی مانع از ادامه ی بحث شد ، امید

است در آینده ای نه چندان دور به بررسی ابعاد مختلف این موضوع

ص: ۱۴۵

بپردازیم .

در پایان به عنوان دست مرزاد به همه ی خادمان فرهنگ مهدویت ،
به ویژه عزیزان تلاشگر در مرکز تخصصی که همه ساله شاهد تلاشهای
شبانه روزی آنان هستم ، نظر این عزیزان را به حدیث امام صادق علیه السلام
جلب می کنم که فرمود :

وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي ؛

اگر من زمان آن حضرت را درک می کردم همه ی عمر او را خدمت
می کردم .(۱)

هنگامی که امام صادق علیه السلام چنین تعبیر بلندی را در حق آن حضرت
بفرمایند ، عزیزانی که دامن خدمت به کمر بسته ، شب و روز در خدمت

آن امام علیه السلام توفیق خدمتگزاری دارند ، باید قدر این نعمت را بدانند ، و این
مدال افتخار را بسیار ارج نهاده ، ارزان نفروشدند .

با یکدنیا امید دست به سوی خداوند برافراشته عرضه می داریم :

اللهم عجل لوليک الفرج واجعلنا من اعوانه وانصاره .

۲۴ رجب ۱۴۲۷ ه .

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

ص: ۱۴۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

